

# مطالعات علوم اسلامی انسانی

مقاله پژوهشی، سال نهم، شماره ۳۶، زمستان ۱۴۰۲ (ص ۵۴ - ۷۲)  
دریافت: آذر ماه ۱۴۰۲ پذیرش: بهمن ماه ۱۴۰۲

## بررسی تاثیر پیاده روی اربعین بر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

### Investigating the impact of Arbaeen walking on the cultural diplomacy of the Islamic Republic of Iran

علی اشرف هواسی / دکترای علوم سیاسی، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران.

Ali Ashraf Havasi/ PhD in Political Science, Ilam Branch, Islamic Azad University, Ilam, Iran.

[havasiali688@yahoo.com](mailto:havasiali688@yahoo.com)

#### Abstract

In this article, Arbaeen walk and cultural diplomacy of the Islamic Republic of Iran have been investigated. The main question has been raised as follows: What is the place of the Arbaeen walk in the cultural diplomacy of the Islamic Republic? In response to this, a central hypothesis has been proposed that the Arbaeen walk as one of the components of cultural diplomacy can strengthen the soft power of the Islamic Republic of Iran. The type of the present research method is descriptive-analytical, which has been tried to investigate the issue using the theories of cultural diplomacy. With the collapse of the Baath Party, the formation and strengthening of the Arbaeen movement was recognized as one of the main axes in the relations between Iran and Iraq. This, in addition to bringing the Shiites closer than before, has been the basis for confronting Takfiri terrorism as well as foreign powers. Two countries have tried to expand the dimensions of Arbaeen walking.

**Keyword:** Arbaeen walk, cultural diplomacy, Islamic Republic of Iran, soft power.

#### چکیده

در مقاله‌ی حاضر به بررسی پیاده‌روی اربعین و دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. سوال اصلی این گونه مطرح شده است که پیاده‌روی اربعین چه جایگاهی در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی دارد؟ در پاسخ این فرضیه‌ی محوری مطرح شده است که پیاده روی اربعین به عنوان یکی از مولفه‌های دیپلماسی فرهنگی می‌تواند باعث تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران شود. نوع روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است که سعی شده است با استفاده از نظریات حوزه دیپلماسی فرهنگی به بررسی موضوع پرداخته شود. به طور کلیف با فروپاشی حزب بعث، شکل‌گیری و تقویت پیاده روی اربعین به عنوان یکی از محورهای اصلی در روابط ایران و عراق شناخته شد. این امر، علاوه بر نزدیکی بیش از پیش شیعیان، زمینه ساز مقابله با تروریسم تکفیری و همچنین قدرت‌های خارجی بوده است. دو کشور سعی داشته‌اند ابعاد پیاده روی اربعین را گسترش دهند.

**کلیدواژه‌ها:** پیاده روی اربعین، دیپلماسی فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، قدرت نرم.

#### مقدمه

دیپلماسی از ابزارهای سیاست خارجی برای پیگیری اهداف و منافع هر کشوری است. دیپلماسی ابزاری مسالمت‌آمیز برای ارتباط و تعامل میان دولت‌ها و جوامع می‌باشد. امروزه با گسترش فن‌آوری نوین ارتباطات و اطلاعات، نقش دیپلماسی از ابزار ارتباط با دولت‌ها

فرا تر رفته و ملت‌ها را در بر گرفته است. دیپلماسی فرهنگی که زیرمجموعه دیپلماسی عمومی است سعی می‌کند با ابزارهای فرهنگی و تأکید بر اشتراکات و ارزش‌های مشترک و تقویت تفاهم میان ملت‌ها و کشورها به اهداف سیاست خارجی دست یابد. یکی از عرصه‌های تأثیرگذار دیپلماتی فرهنگ، عرصه قدرت نرم است. با توجه به آن که این نوع از قدرت به اندازه عمر بشر قدمت دارد، اما در شرایط کنونی و در عصر جهانی شدن واجد اهمیت فراوانی است تا جایی که بسیاری از صاحب نظران از جایگزینی اهمیت آن با قدرت نظامی سخن می‌گویند. جمهوری اسلامی که حاصل یک انقلاب فرهنگی و نرم‌افزاری است، در کنار قدرت سخت‌افزاری خود به دنبال افزایش ظرفیت‌های نرم‌افزاری خود در عرصه جهانی است. در این راستا، تقویت دیپلماسی فرهنگی یکی از اولویت‌های مهم جمهوری اسلامی است. با توجه به این که دیپلماسی فرهنگی و تشخیص اطلاعات ارزشمند مهم‌ترین بعد قدرت نرم است، لذا واحدهای سیاسی متمم تلاش خود را به کار می‌برند تا در این راستا، موفق شوند و از تمام ظرفیت‌های خود در راستای تقویت قدرت نرم خود استفاده نمایند. نکته قابل توجه دیگر این است که اگر درون مایه انقلاب اسلامی و دال مرکزی آن را تشیع در نظر بگیریم، این درون مایه از ظرفیت‌های نرم‌افزاری زیادی برای تقویت دیپلماسی فرهنگی و به تبع آن تقویت قدرت نرم‌افزاری زیادی برخوردار است و یکی از مهم‌ترین این ظرفیت‌ها پروژه عظیم پیاده روی اربعین است که به عنوان بزرگ‌ترین پیاده روی مذهبی دنیا مطرح است. پژوهش حاضر به دنبال بررسی ظرفیت‌های فرهنگی پروژه اربعین و نقش آن در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی است. در واقع این ظرفیت‌های نرم‌افزاری در زمینه دیپلماسی فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. پیاده روی اربعین علاوه بر روابط دو جانبه ایران و عراق، می‌تواند زمینه ساز تقویت نفوذ جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه‌ای و جهانی شود.

با این حال، به نظر می‌رسد در جهت کاهش تأثیرات پیاده روی اربعین بر دیپلماسی فرهنگی، کشورهای مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سعی داشته‌اند با انجام اقداماتی این تأثیرات را کمرنگ سازند. همچنین، وجود بی‌نظمی‌ها و موانعی از سوی عراق، باعث شده است تا شاید از ظرفیت‌های واقعی پیاده روی اربعین استفاده نشود.

## مدل تحلیلی

مدل تحلیلی مقاله حاضر مبتنی بر نظریه فرهنگ و هویت در نظریات سازه‌انگاری است. سازه‌انگاری که در فارسی با عناوین سازنده‌گرایی، تفسیرگرایی، تکوین‌گرایی و برساخته‌گرایی به کار می‌رود؛ تنها یک نظریه به شمار نمی‌رود، بلکه بیشتر یک رهیافت و چهارچوب تحلیلی تلقی می‌شود. این رهیافت، به ویژه از اواخر دهه ۱۹۸۰ که ناکارآمدی نظریه‌های مسلط بر روابط بین‌المللی در تبیین و پیش‌بینی وقایع پیش آمده آشکار شد، اهمیت وافری یافت. از این رو، نگرش‌های اثبات‌گرا و خودگرایی روابط بین‌الملل به چالش کشیده شدند و نظریه‌هایی در چهارچوب نگرش‌های تفسیری و هرمنوتیک انتقادی و فراساختارگرا ظهور کردند که از دیدگاه آن‌ها همه واقعیت‌های اجتماعی به وسیله زبان، ایده‌ها و مفاهیم برساخته می‌شوند و هر معنایی در پرتوی قدرت زبان و گفتمان قرار دارد. نظریه سازه‌انگاری با قرار گرفتن میان این دو رهیافت؛ از یک سو، به ویژگی‌های مکاتب خردگرا و اثبات‌گرا اهمیت می‌دهد و از سوی دیگر، با تمرکز بر معانی که بازیگران به رفتار خود می‌دهند و تأکید بر ایده‌ها، باورها، ساختارهای هنجاری و توجه به شکل‌گیری هویت بازیگران، به نظریه‌های بازتابی نزدیک می‌شود. (نظری و صحرایی، ۱۳۹۴: ۶۴).

در گذشته، «هویت» اساساً در زمره‌ی مقولات فلسفی محسوب می‌شد و در پیوندی تنگاتنگ و بعضاً انحصاری با مقوله‌ی «خود» قرار داشت و در چارچوب هویت این مفهوم در بستر گسترده‌ی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی صورت‌بندی مدرنیته و به منزله‌ی یکی از ارکان اصلی پدیده‌ی دولت-ملت مورد امعان نظر قرار گرفت. از نیمه‌ی دوم قرن بیستم به بعد مسأله‌ی هویت به تدریج جزو موضوعات محوری مورد تحقیق در حوزه‌ی «مطالعات فرهنگی» قرار گرفت و به صورت یکی از مناقشه برانگیزترین موضوعات در دو حوزه‌ی نوظهور «نظریه‌ی فرهنگی» و «نظریه‌ی اجتماعی» درآمد.

«هویت به معنای هستی و از لحاظ علمی چپستی شناسی یا کیستی شناسی گفته شده است وقتی ما درباره شخصی از هویت او سؤال می‌کنیم در واقع منظور آن است که او چگونه خود را معرفی و شناسایی می‌کند. پاسخی که فرد سؤال‌شونده اظهار می‌دارد به معنای شناخت او از هویت خویش است. هویت ممکن است فردی یا جمعی باشد اما هویت بومی نوعی احساس جمعی است که در آن افراد متعلق به یک زیست بوم دارای احساسات و آرزوها و اهداف مشترک و تعلقات همسو خواهند بود هویت بومی نیروی

همبسته ساز و سبب پیدایش عرق بومی و حرارت بومی و تعصب بومی و پاسداری از ارزشها و هنجارها و آئین نامه‌ها و آداب و اخلاقیهای بومی به عنوان بازتابهای روانی اجتماعی زیست جمعی تحت عنوان یک گروه با یک قوم در یک منطقه خواهد شد. در دهه ۱۹۸۰ با شکل‌گیری جنبش‌های جدید در جوامع مختلف که با تبیین‌های مادی قابل شرح نبود و اهمیت و تعاریفی که افراد و گروه‌ها از «خود» و «دیگری» در آن‌ها ارایه می‌کردند باعث توجه نظریه پردازان جنبش‌های اجتماعی به عوامل هویتی شده است. سیاست‌های هویت که بخش عمده مباحث سیاسی رایج در جهان را از حدود دهه نود میلادی به بعد شامل می‌شوند، وسیعاً این واقعیت را شکل داده‌اند که هویت‌های فرهنگی در داخل گروه‌بندی‌های وسیع‌تری هم‌چون ملت، به مثل وفاداری‌های متعارض منجر می‌شوند. نتیجه در بسیاری از مناطق جهان آن شده است که به قول شلزینگر، پیوند قومیت و ملت به پیوندی دردناک و مصیبت‌بار بدل شد. اگر سیاست‌های هویت به خودی خود تعارض را تقویت می‌کنند، پس می‌توان نتیجه گرفت که جنبش‌های مبتنی بر هویت امکان ائتلاف را تضعیف می‌کنند و به واگرایی منجر می‌شوند. علاوه بر این اظهار شده است که سیاست‌های هویت، هویت‌های گروهی را شی‌ءواره می‌کنند و طی آن، سیاست‌های هویت توانایی فرد را برای یک تفسیر خلاقانه از هویتش زایل می‌کنند. به دیگر سخن، توانایی شخص برای تعیین درجه اقتضا و مناسب یا عدم اقتضا و مناسب هویت در زندگی تضعیف می‌گردد، چرا که سیاست‌های هویت تطابق افراد را می‌طلبند، از اعتبار و سندیت داعیه‌های خود دفاعیات دلخواهانه می‌کنند، به تفاوت‌های درونی در داخل خود اقلیت بی‌توجهی صورت می‌گیرد، جای بحث آزاد را داعیه‌های مسلکی و ایدئولوژیک می‌گیرد و انتقادات داخلی تحت این عنوان که غیر وفادارانه هستند، مورد تقبیح قرار می‌گیرند. در واقع انتقاد از سیاست‌های هویت ذیل این عنوان که آن‌ها هویت را شی‌ءواره می‌کنند به این معناست که آن‌ها آزادی فردی را محدود می‌سازند. (طاهایی، ۱۳۹۱: ۱۲۶-۱۲۵).

پژوهش‌های هویتی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود. نگرش ذات‌انگارانه که نگرش بر ساخته‌گرایی هویت و نگرش بنیادین.

الف- نگرش ذات‌انگارانه به هویت انسانی که در علوم اجتماعی تا دهه ۱۹۷۰ نیز مطرح بود، مبتنی بر انتشار برخی ویژگی‌ها به افراد به عنوان ویژگی‌های طبیعی و ذاتی فرد است که از روانشناسی خاص آن فرد سرچشمه می‌گیرد. بر این مبنا چشم‌اندازهای خرد جامعه‌شناسی برای توضیح رفتار کنشگران در عرصه اجتماعی در پی فهم ویژگی‌هایی بودند که افراد به خود منتسب می‌کردند.

ب- برساخته‌گرایی اجتماعی، مخالف ذات‌انگاری در علوم اجتماعی حاصل تلاش‌های کسانی چون پیتربرگر، اروینگ گافمن، هوارد بکر و یکی از متأخرین آن‌ها آنتونی گیدنز است که بر ماهیت اجتماعی و رابطه‌ای هویت بر «خود» در مقابل «دیگری» تأکید می‌نمایند. آنتونی گیدنز با طرح مفهوم «بازتابندگی»، هویت فردی را تصویری بازتابی خودفهمی‌های خویشتن در ارتباط با «دیگری» می‌داند که به طور روزمره و مداوم ایجاد می‌شود ناشی از یک ماهیت بینادینی زندگی اجتماعی است.

ج- نگرش بینابین به مقوله هویت در عرصه روانشناسی مطرح می‌شود که در عین بر ساخته بودن هویت فردی، معتقد به تداوم بخش‌هایی از هویت فردی هستند که «شخصیت» فرد را معین می‌کند. (رمضان زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۶-۱۳۵).

همبستگی پدید آمده ناشی از هویت، قدرت‌زا و نظم خاصی را می‌طلبد «ابن خلدون در نظریه عصبیت قدرت سیاسی ناشی از همین همبستگی تاریخی را در تحولات اجتماعی مشرق زمین تفسیر می‌کند. پیوندها یا همبودیها ناشی از خون و نژاد و دین و فرهنگ و یا ترکیبی از این عناصر را سبب همبستگی و از همبستگی به نیروی معطوف به قدرت یاد می‌کند». این احساس همانندی ممکن است در سطح واحدهای کوچک اجتماعی مثل خانواده یا تش یا مال یا بنکو (مجموعه چند مال) یا واحدهای بزرگتری چون طایفه، ایل، قوم، ملت و یا زیست بومهای کوچکی، چون روستا، شهر، منطقه، استان، ایالت و یا رزیست بومهایی چون کشور و قاره‌ها و جهان پدید آید. در هر حال با پیدایش گروه حس همانندی و همبستگی نیز به تدریج شکل می‌گیرد. به قول ابن خلدون هویت و همبستگی ناشی از آن لحاظ سیاسی، توانائی کسب قدرت و گرایش به کسب قدرت را داراست، هویت بومی نیز سبب پدید آمدن بومی‌گرایی و گرایش به حکومت بومیان بر همه افراد در تمامی ابعاد خواهد شد و این گرایش خواهان به رسمیت شناختن ارزشها و اعتقادات و گویش و آداب و رسوم و رفتارهای محلی و قومی از سوی دولت و همینطور در بعد اقتصادی استفاده از منابع منطقه را برای رفاه حال افراد منطقه و توزیع برابر و عادلانه امکانات را برای خود بومیان می‌خواهد.

## تعریف دیپلماسی فرهنگی

بنا بر تعریف انستیتو دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی، مردم را از طریق ابزاری چون فرهنگ، هنر، ورزش، ارزش‌ها و ایده‌ها جذب می‌کند. نمایش فیلم، برگزاری رویدادهای فرهنگی و هنری، انتشار کتاب و سخنرانی، برخی از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی‌اند که با کمک آن میتوانیم سیاست‌های فرهنگی کشور را معرفی کرده و با تشکیل رابطه‌ای بلندمدت ضمن ترویج ایده‌ها، مشوق تعامل و گفت‌وگو بوده و گردشگران را جلب نماییم. (فرهنگی و دیگران، ۱۳۹۶: ۷۹).

در تعریف میلتون کامینگز، دیپلماسی فرهنگی عبارت است از مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها. دیپلماسی فرهنگی عبارتست از «تلاش برای درک، مطلع ساختن، مشارکت دادن و تاثیرگذاری بر مردم دیگر کشورها و تبادل ایده‌ها، اطلاعات، هنر و دیگر جنبه‌های فرهنگ میان ملت‌ها به منظور تقویت تفاهم متقابل. بنابراین می‌توان دیپلماسی فرهنگی را به ابزاری برای تأمین منافع و مصالح ملی - دینی یک ملت یا فرهنگ تفسیر و تعبیر کنیم. عناوین دیپلماسی مجازی، دیجیتال، شبکه‌ای، دیپلماسی رسانه‌ای و میان‌جیگری بین المللی، تله دیپلماسی و سایر دیپلماسی‌ها را می‌توان تحت این نوع از دیپلماسی تعریف کرد. هرچند دیپلماسی علمی - تکنولوژیک و مشتقات آن چون آموزش و فناوری را می‌توان در قالبی جدا از دیپلماسی فرهنگی به حساب آورد. (دهقانی فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۴: ۹).

## اهداف دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی در چارچوب دو هدف فراگیر معرفی فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی ایران و انقلاب اسلامی از یک سو و درک، فهم شناخت و دریافت بهتر و واقعی‌تر از فرهنگ‌های دیگر از سوی دیگر، اهدافی خاص و مشخصی را پی‌گیری می‌کند. اهداف دیپلماسی فرهنگی را می‌توان به دو دسته فرهنگی محض و غیر فرهنگی تقسیم کرد. اهداف فرهنگی ناب معطوف به تحقق و تأمین ارزش‌ها، آرمان‌ها و منافع است که موجب گسترش، توسعه و ترویج فرهنگی و تمدن ایرانی و انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی می‌شود. بر عکس، اهداف غیر فرهنگ ناظر به مقاصد و آمال امنیتی، سیاسی، اقتصادی و راهبردی است که دیپلماسی فرهنگی بستر و زمینه لازم برای دستیابی به آنها را فراهم می‌سازد. تبیین، ترویج و گسترش فرهنگ ایرانی و انقلاب اسلامی در قالب اهداف فرهنگی، به دو منظور انجام می‌گیرد: اول، تصویرپردازی و ایماژسازی واقعی و مثبت از کشور و ملت ایران که تصورات کلیشه‌ای نادرست و تلقی‌های مخدوش از آن را اصلاح نماید. چون بسیاری از مواقع، تصاویر و تعبیر غیر واقعی از مردم، فرهنگ و تمدن ایران ناشی از سوء برداشت‌ها و سوء تفاهم‌های سایر ملت‌هاست که خود معلول عدم درک و شناخت واقعی آنان می‌باشد. هدف دوم، خنثی‌سازی و مقابله با تصاویر و تبلیغات منفی که بعضی از کشورها و بازیگران بین‌المللی از جمهوری اسلامی ایران ارائه داده‌اند. مخالفین انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در سطوح دولتی و غیر دولتی در سال‌های اخیر، فراتر از تبلیغات سیاسی منفی، در صد مخدوش و مشوه نشان دادن فرهنگ و تمدن ایران برآمده‌اند. لذا معرفی و اشاعه فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی از طریق دیپلماسی فرهنگی، یکی از مهم‌ترین و بهترین راهکارها و سازوکارهای مواجهه و مقابله با این سیاست فرهنگی ضد ایرانی در سطوح جهانی و منطقه‌ای به شمار می‌رود. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۰۶-۱۰۵).

هدف غیر مستقیم دیپلماسی فرهنگی، توسعه و گسترش مناسبات و روابط سیاسی میان ملت‌ها و کشورها از طریق ابزارهای فرهنگی به منظور تأمین منافع ملی است. دیپلماسی فرهنگی و فرهنگ در اینجا، نقش ابزاری را دارد که به کشور کمک می‌کند تا به اهداف و منافع سیاسی خود در سیاست خارجی دست یابد. دیپلماسی فرهنگی به دو صورت جمهوری اسلامی ایران را قادر می‌سازد تا اهداف و منافع سیاسی سیاست خارجی خود را محقق سازد. اول، از طریق شناخت فرهنگ کشورها و ملت‌های دیگر و هم‌چنین شناساندن فرهنگ ایرانی به آنان؛ دوم، از راه تأثیرگذاری بر سایر کشورها به منظور موجه و موثر ساختن سیاست‌ها و اقدامات جمهوری اسلامی در آنها. شناخت فرهنگ دیگران به اخذ تصمیمات صحیح و اتخاذ سیاست‌های واقع‌بینانه و سازگار با فرهنگ و منافع آنان از سوی جمهوری اسلامی می‌انجامد. به همین ترتیب، تبیین و ترویج فرهنگ ایران و انقلاب اسلامی موجب می‌شود تا ملت‌های دیگر براساس ارزش‌ها و هنجارهای این فرهنگ و انقلاب، پدیده‌ها را درک و ارزیابی نمایند. در نتیجه، اگر جمهوری اسلامی قادر باشد برافکار و اذهان تصمیم‌گیرندگان کشورهای منطقه تأثیر بگذارد می‌تواند سیاست‌های آنان را در جهت اهداف سیاست خارجی خود

هدایت کند. فراتر از این، در بسیاری از مواقع هدف دیپلماسی فرهنگی از ایجاد روابط و مناسبات سیاسی پایدار و با ثبات میان جمهوری اسلامی و کشورهای حوزه خلیج فارس، برقراری و حفظ صلح و امنیت دو و چند جانبه می‌باشد. فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی به دو صورت ابزاری و تکوینی به روابط سیاسی با ثبات و صلح و امنیت منطقه کمک می‌کند. از منظر ابزاری، فرهنگ و روابط فرهنگی وسیله و سازوکاری برای دستیابی به صلح از طریق کاهش منازعه و تنش‌زدایی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس است. این رهیافت با پذیرش دیدگاه امنیت و منفعت محور بر روابط بین‌الملل، روابط فرهنگی را بعد چهارم سیاست خارجی می‌داند که روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی بن ایران و کشورهای منطقه را تسهیل و تسریع می‌کند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۴: ۱۰۷-۱۰۶).

از منظر رهیافت تکوینی، فرهنگ و تمدن پایه و اساس روابط بین‌الملل و سیاست خارجی می‌باشد و نقش تعیین‌کننده و مقوم در این دو حوزه ایفا می‌کند. این رویکرد که برپایه اندیشه صلح فرهنگی استوار است، مهم‌ترین عامل منازعه و جنگ را ناشی از عدم درک درست فرهنگ و نیت متقابل کشورها و اعمال سیاست قدرت می‌داند. در نتیجه، دیپلماسی فرهنگی به دو طریق به رفع این سوء تفاهمات و سوءبرداشت‌ها می‌پردازد. نخست، دیپلماسی فرهنگی باعث درک و تفاهم فرهنگی بین ایران و کشورهای منطقه و جهان می‌شود. تفاهم فرهنگی نیز ستیزش، منازعه و جنگ بین آنان را کاهش می‌دهد؛ زیرا، جنگ و منازعه در فکر و ذهن انسان ریشه دارد که با دگرگون شدن آنها در جهت تفاهم، جنگ و خشونت و منازعه نیز از منطقه و جهان رخت برمی‌بندد. فراتر از این مبادله و دیپلماسی فرهنگی بین ایران و سایر ملت‌ها و کشورهای منطقه که به از بین رفتن پیشداوری‌های قوم‌مدارانه از راه تفاهم فرهنگی می‌انجامد، موجب شکل‌گیری جامعه سیاسی منطقه‌ای می‌شود که خود به برقراری صلح و امنیت کمک می‌کند.

### مولفه‌های کلی دیپلماسی فرهنگی ایران

دیپلماسی فرهنگی ج.ا.ایران عبارت است از تلاش و اقدامات از پیش طراحی شده و سازمان یافته جمهوری اسلامی برای تأثیرگذاری بر برداشت‌ها، ادراکات، افکار، انگاره‌ها، ایده‌آل‌ها، ارزش‌ها، ایستارها و باورهای ملت‌ها و کشورهای دیگر از طریق تبیین و ترویج فرهنگ و تمدن ایران و انقلاب اسلامی و شناخت و درک واقعی از فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر به منظور تأمین و توسعه منافع ملی (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱، ۴۱).

ارائه بیانی روشن از سیاست خارجی ج.ا.ایران و به تبع آن دیپلماسی فرهنگی، و درک فراز و نشیب‌ها و گسست‌های بوجود آمده، ناشی از گفتمان‌های حاکمیت یافته در جمهوری اسلامی است. گفتمان‌هایی که از بدو ظهور نظام تا کنون به حوزه حاکمیت سیاسی راه یافته‌اند و توانسته‌اند نقش‌های مهمی در پیش برد اهداف نظام اسلامی ایفا کنند. نتیجه این گفتمان‌ها برای تحقق ارزش‌های انقلاب اسلامی و در اجرای سیاست خارجی، مؤلفه‌هایی را در چارچوب مجموعه اهداف و پیام‌ها، ابزارها، روش‌ها، عوامل اجرا و برنامه‌های راهبردی و اجرایی در ارتباط با یکدیگر شکل می‌دهند که شکل و محتوای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خارج از آن نخواهد بود.

چنانچه دیپلماسی فرهنگی را به عنوان ابزاری برای تأمین منافع و مصالح ملی - دینی جمهوری اسلامی ایران تعبیر کنیم دیپلماسی مطلوب ایران دارای ماهیتی خواهد بود که بتواند سیاست خارجی کشور را در تأمین منافع ملی، غلبه بر موانع و محظورات ساختاری خارجی همراهی و کمک کند. از میان عناصر چهارگانه منافع ملی جمهوری اسلامی ایران شامل قدرت، امنیت، توسعه و ترویج ارزش‌ها و صدور انقلاب، دیپلماسی فرهنگی ایران در عنصر اشاعه فرهنگ ایرانی اسلامی و صدور انقلاب که بازتاب دهنده موجودیتی خاص به عنوان جمهوری اسلامی ایران است نقش تعیین‌کننده ای خواهد داشت (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۷۸: ۲۷۰).

دیپلماسی فرهنگی ایران با توجه به ماهیت ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ایران حامل و ناقل قدرت نرم ایران اسلامی با محتوا و زمینه‌های زیر است:

- ارائه ایران و فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی به عنوان یکی از تمدن‌های بزرگ جهان؛

- ارائه تصویری روشن و مبتنی بر ارزش‌های اسلامی منطبق با مکتب سیاسی امام خمینی؛

- تصویرسازی از ایرانی پیشرفته و تحول‌خواه در عرصه‌های علم و سیاست و فرهنگ به گونه‌ای که تبلیغ سنت‌ها، باورها، ایستارها، تاریخ، پیشرفت‌های علمی، فرهنگ عمومی و سبک زندگی ایرانیان برای سایر ملل ذیل آن تعریف می‌شود.

از نگاه رهبری معظم انقلاب، دیپلماسی فرهنگی کشور باید ضمن معرفی پیشرفت‌های چشمگیر علمی و معرفی ادب و هنر کشور، جلوه‌های مردم سالاری کشور و اجتماعات عظیم مردمی، جلوه‌های دینی و حضور معنوی و عاشقانه قشرهای مختلف مردم به ویژه جوانان در مراسم مذهبی اعم از جلسات قرآن، دعا، و عزاداری‌ها، به عنوان یک رویداد بزرگ در کشور با هنرمندی و مستندسازی، به مردم دنیا نشان داده شود. ایران امروز و عمق فرهنگ و تمدن کشور برای جهانیان معرفی شود (مقام معظم رهبری، بیانات مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱).

به نظر می‌رسد دیپلماسی فرهنگی ج. ا. ایران با مؤلفه‌های برآمده از فرهنگ ایرانی و اسلامی، اهداف و ارزش‌ها و تجربیات خود بتواند از عهده این مهم برآید. حوزه عمل دیپلماسی فرهنگی در عرصه فرهنگ ملموس و غیرملموس بسیار وسیع است و عرصه‌های علم و فناوری و آموزش و رسانه را دربرمی‌گیرد و می‌تواند راهگشای ورود و فعالیت سایر انواع دیپلماسی در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی شود. دیپلماسی علمی، دیپلماسی آموزشی و دیپلماسی گردشگری جمهوری اسلامی ایران از موارد قابل توجه در آینده روابط بین الملل ایران خواهد بود. در حال حاضر دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به عنوان ابزار تأمین منافع ملی از طریق ابزارهای فرهنگی و روش‌های نرم افزاری را می‌توان دارای چهار بعد اصلی دانست:

۱. هدف تأمین منافع ملی یا محتوای دیپلماسی در قالب سیاست‌های بین‌المللی؛ این هدف با شاخص‌های دینی و ارزشی مکتب تشیع گره خورده است.
۲. ابزارهای فرهنگی و عوامل انتقال در فرآیند دیپلماسی که نرم‌افزاری و نافذ در انسان‌ها هستند.
۳. مخاطبین دیپلماسی شامل: جوامع و ساختارهای انسانی اعم از دولتی و غیردولتی و اشخاص حقیقی و حقوقی.
۴. دیپلمات‌های ورزیده و متخصص فرهنگی که عامل اجرای فرآیند دیپلماسی در جوامع هدف هستند.

## تأثیرات پدیده‌های اربعین بر دیپلماسی فرهنگی ایران پدیده‌های اربعین و تقویت نقش شیعیان

نقش ایران در شکل‌گیری عراق جدید در چندین مرحله قابل ارزیابی است. در درجه اول، ایران با اتخاذ سیاست بی‌طرفی فعال نقش مهمی در تکمیل محاصره‌ی منطقه‌ای رژیم بعثی ایفا کرد. علی‌رغم خطرات حضور و تهدید مستقیم آمریکا از طریق خاک عراق، ایران نه تنها از تغییر رژیم بعثی حمایت کرد، بلکه اعلام نمود که حتی در صورت لزوم به همکاری با ائتلاف نیروهای بین‌المللی در جهت منافع ملت عراق خواهد پرداخت.

بعد از سقوط صدام، علی‌رغم توان عملیاتی بالای نیروهای ایرانی به دلیل تجربیات ناشی از جنگ ۸ ساله و شناخت سرزمین عراق، ایران هیچ‌گاه از نفوذ و قدرت عملیاتی خود در جهت ایجاد و گسترش ناامنی به عنوان ابزاری در جهت جلوگیری و رفع تهدیدات آمریکا استفاده نکرد، چرا که هر گونه بی‌ثباتی در درجه اول به ضرر ایران تمام می‌شد (برزگر ۱۳۸۵، ۱۵۸).

در درجه دوم، ایران با استفاده از نفوذ گسترده و طبیعی خود در شیعیان عراق، نقش مهمی در تثبیت امنیت و ایجاد تعادل در عراق جدید ایفا کرد. صحنه‌ی قدرت و سیاست در عراق در طول سالیان گذشته به گونه‌ای بود که شیعیان علی‌رغم دارا بودن اکثریت در کشور، هیچ نقشی در قدرت مرکزی نداشتند. شرایط جدید فرصت مناسبی برای گروه‌های مختلف شیعی فراهم می‌آورد تا برای اولین بار نه تنها هویت و موجودیت خود را مورد تأکید قرار دهند، بلکه قدرت سایر رقبا از جمله سنی‌ها را متعادل کنند (برزگر ۱۳۸۵، ۱۵۸). سیاست خارجی ایران در قبال عراق پس از صدام را می‌توان در سه محور بررسی کرد: ۱. رفع بحران از راه مسالمت‌آمیز؛ ۲. تأکید بر خلع سلاح‌های کشتار جمعی؛ ۳. تعهد نسبت به رویکرد چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌الملل. نقش رهبران ایران در این برهه زمانی بسیار پررنگ بود، و آنان بین حمایت از رژیم صدام و مردم عراق تفاوت‌هایی قائل شدند و بدین ترتیب بود که ایران در حین اجرای سیاست بی‌طرفی خود، جانب مردم عراق را گرفت و در پی محکوم کردن عاملان جنگ برآمد. وجود برخی از افراد برجسته در داخل خاک عراق که مناسبات نزدیکی با رهبران ایران داشتند و برعکس، باعث شد که متغیر فرد نمود بارزی در این دوره داشته باشد؛ به طوری که گفته شد، باعث گردید که بین رژیم و مردم عراق تفاوت قائل شده و بیشتر نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی در پی حمایت از مردم عراق در خلال بحران برآمدند. وجود قربان‌های قوی بین ایران و عراق از یک سو و وجود اقلیتهای قومی در مناطق مرزی کشور و همچنین اقتصاد در حال رشد کشور که نیازمند همکاری در نظام بین‌الملل است از سوی دیگر، باعث شد که ایران در توجه به رویکرد جدید در عراق ملاحظاتی اجتماعی و اقتصادی خود را که به مراتب بهتر از هر مسأله دیگری است، در نظر بگیرد.

به همین خاطر، در طی بحران عراق ملاحظه می‌شود که سیاست ایران در خصوص این مسأله حول مسایل مادی می‌چرخد و تصمیم‌گیری در این خصوص به مراتب راحت‌تر از مسایل پرستیژی است. در این بحران عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی به ترتیب متغیر نظام بین‌الملل، نقش، فرد، حکومت و جامعه بود.

باید اشاره داشت که مهم‌ترین عامل و متغیر تأثیرگذار در صحنه عراق جدید که می‌تواند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را به سوی امنیت پایدار در ابعاد مختلف به پیش ببرد، عنصر شیعی است. به طور کلی در نظریات سازه‌انگارانه، هویت‌ها و ارزش‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. برخلاف نظریه‌های خردگرا که انسان را موجودی اقتصادی می‌دانند و بر این اساس بازیگران را هدف‌مدار و منفعت‌محور معرفی می‌کنند که بر اساس محاسبه سود و زیان مادی به کنش با دیگران می‌پردازد، در نظریه سازه‌انگاری، انسان موجودی است اجتماعی. سازه‌انگاری تصویر انسان محاسبه‌گرا را رد کرده و معتقد است انسان اجتماعی است و اجتماع بر رفتارش اثر مستقیم دارد. انسان اجتماعی نه تنها بر اساس اهداف خودخواهانه خود رفتار نمی‌کند، بلکه رفتار او بر اساس منطق تناسب در یک رابطه بیناذهنی و ارزش‌محور شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، بازیگران از ارزش‌های اجتماعی که در یک فرآیند در خود درونی کرده‌اند پیروی می‌کنند و کنشی را انجام می‌دهند که از خود انتظار دارند و دیگران از آن‌ها توقع دارند. البته این ارزش‌ها در یک رابطه بیناذهنی بر ساخته می‌شوند و با عقاید و نظریات افراد متفاوت هستند (پور احمدی و موسوی نیا ۱۳۸۸، ۳۶-۳۵).

بنابراین در سیاست خارجی کشور، هنجارهای داخلی و بین‌المللی که بازیگر آن‌ها را در خود درونی کرده است به عنوان یک متغیر مستقل در رفتار آن‌ها تأثیر جدی دارند. به این ترتیب در روابط بین‌الملل تفاوت رفتاری میان بازیگران را باید ناشی از هنجارهای مختلف داخلی آن‌ها بدانیم و رفتار کشورها را نه ناشی از معمای امنیت (نظریه والتز)، بلکه باید ملهم از هنجارهای مشترک بین‌المللی دانست که رفتار خاصی را به بازیگران تجویز می‌کنند.

با این حال، بهره‌گیری از نقش فرصت‌ساز عنصر شیعی در حوزه سیاست خارجی ایران در گذشته به دو دلیل مورد استفاده مناسب قرار نگرفت. دلیل اول، عدم اعتنای رژیم سابق ایران به نقش ایدئولوژی و مذهب در حوزه ظرفیت‌سازی سیاست خارجی بود که منجر به عدم استفاده مطلوب از نقش عنصر شیعی در تنظیم سیاست خارجی می‌شد. هرچند بعضی از تحلیل‌گران خارجی معتقدند رژیم سابق ایران از عنصر شیعه به خصوص در لبنان (از طریق جنبش امام موسی صدر) و عراق (حمایت غیرمستقیم از حزب الدعوه) و سایر نقاط در دهه ۱۹۷۰ استفاده کرد، اما استفاده از نقش فرصت‌ساز شیعه برای گسترش ظرفیت‌سازی در حوزه‌ی سیاست خارجی ایران برای اولین بار با انجام تحولات جدید در عراق صورت گرفته است (برزگر ۱۳۸۵، ۶۱-۶۰).

نکته محوری در شرایط حاضر این است که درجه تعاملات ایران با شیعیان عراق برای اولین بار بر محور اتصالات طبیعی فرهنگی و سیاسی بین ملت‌ها و دولت‌ها به طور هم‌زمان قرار گرفته است. به عبارت دیگر اگر هم در گذشته استفاده اندکی از عنصر شیعه شد، در درجه اول در چارچوب سازمان‌دهی گروه‌هایی بود که با رژیم‌ها و گروه‌های مدافع ایدئولوژی افراطی ملیت‌گرایی عربی مخالفت می‌ورزیدند. بعضی رژیم‌هایی چون عراق و لبنان که از دیدگاه‌های ضد ایرانی حمایت می‌کردند، اما در شرایط حاضر محور تعاملات شیعیان ایران و عراق بر مبنای اتصالات و تعاملات طبیعی و بالقوه مذهبی - ایدئولوژیک موجود بین دو طرف است تا سیاست‌های دولتی رژیم‌های دو کشور ایران و عراق برای تحت فشار قرار دادن یکدیگر (برزگر ۱۳۸۵، ۶۱).

دلیل دوم سیاست‌های سرکوب‌گرایانه رژیم بعثی و اقلیت مسلط سنی در بغداد در نادیده گرفتن حضور و نقش شیعیان در ساخت قدرت و سیاست عراق برمی‌گردد که مانع جدی برای استفاده از عنصر شیعه در سیاست خارجی ایران محسوب می‌شد. از دیدگاه حکومت بعثی، مفهوم تشیع پیوند ناگسستنی با ایران داشت. به همین دلیل در طول سه دهه گذشته، سیاست‌های حکومت بعثی فراتر از اعمال تبعیض به سرکوب جدی شیعیان نیز تغییر شکل داد. در این روند، رژیم عراق با مردود شمردن خواسته‌های شیعیان به این علت که فرقه‌گرایانه، تفرقه‌افکنانه و الهام یافته از ایران بودند، نقش شیعیان را در ساختار قدرت و سیاست و پست‌های کلیدی بسیار اندک کرد و با برخورد شدید با فعالیت‌های سیاسی آن‌ها به سرکوب آن‌ها پرداخت (اسدی ۱۳۸۸، ۴).

در شرایط جدید، با تغییر ساختار قدرت و سیاست در عراق و قرار گرفتن اکثریت شیعه در رأس حکومت عراق، زمینه‌های فرصت‌سازی جدیدی برای سیاست خارجی ایران در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم شده است: در سطح ملی و روابط دوجانبه، حضور شیعیان در رأس قدرت، زمینه‌های ایجاد روابط استراتژیک مبتنی بر همکاری‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی - امنیتی را فراهم می‌سازد. با توجه به این که دولت جدید عراق وظیفه اجرایی هدایت کشور را بر عهده دارد، حجم فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی در زمینه‌های مختلف همچون ارتباطات رسانه‌ای، توریسم مذهبی، تبادلات دانشگاهی و سمینارهای علمی، گسترش ارتباطات در

حوزه‌های علمیه، طرح‌های مشترک پژوهشی و غیره افزایش می‌یابد. این امر به نقش مهمی در باز تعریف تعاملات فرهنگی و نوع نگاه جدید و مثبت دو ملت به یکدیگر دارد و منجر به خروج از زمینه‌های بی‌اعتمادی و سوءظن‌های گذشته خواهد شد (برزگر ۱۳۸۵، ۶۱-۶۲).

در سطح منطقه‌ای، بیش از هر چیز تقویت عنصر شیعه در عراق جدید، نقش مهمی در متعادل کردن روابط ایران با ملت‌های شیعی منطقه و با جهان عرب خواهد داشت. بی‌تردید وقوع تحولات ساسی جدید در عراق، نقطه عطفی در تقویت جایگاه شیعیان در منطقه و جهان به شمار می‌آید. پیش از آن، بروز انقلاب اسلامی، جایگاه شیعیان در منطقه را وارد مرحله جدیدی کرده بود. در واقع انقلاب اسلامی ایران به شیعیان جرأت داد تا هویت خود را بیان کنند و ابزاری در اختیار آنان گذاشت تا حضور خود را برای دیگران محسوس سازند. در شرایط جدید، شیعیان که به تعبیر یکی از متخصصین مسائل منطقه «مسلمانان فراموش شده» بودند، به یکباره به عنوان یکی از مهم‌ترین نیروهای تأثیرگذار در مسائل منطقه وارد عرصه تحولات خاورمیانه شدند (برزگر ۱۳۸۵، ۶۲).

در سطح بین‌المللی نیز تقویت نقش عنصر شیعه در عراق جدید و تأثیرات آن بر روابط بین‌الملل عراق می‌تواند زمینه‌های فرصت‌سازی زیادی را در چارچوب تنظیم روابط بین‌الملل ایران و حل معضلات استراتژیک این کشور در منطقه و با قدرت‌های بزرگ جهانی همچون آمریکا فراهم سازد. بی‌تردید بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، بر اهمیت نقش ایران برای نظام بین‌الملل و قدرت‌های بزرگ در ایجاد ثبات و امنیت منطقه‌ای افزوده شده است. این امر بیش از هر نقطه دیگر، در عراق جدید تجلی می‌یابد که ایران به دلیل اتصالات فرهنگی، سیاسی و امنیتی دارای نفوذ فراوانی است. اهمیت نقش ایران در عراق جدید بر یک منطق ساده استوار است: حفظ ثبات در عراق برای آمریکا دارای اهمیت حیاتی است. ایران دارای ابزارهای نفوذ قوی (طبیعی) در جهت حفظ امنیت و ثبات است، بنابراین آمریکا برای حفظ امنیت در عراق به ایران نیاز دارد. این امر فرصت‌گرانی بهایی در اختیار ایران قرار می‌دهد که زمینه‌های فرصت‌سازی در سیاست خارجی خود را افزایش دهد و به تعریف جدید از نقش و موقعیت خود در منطقه و به خصوص نظام امنیت منطقه‌ای خلیج فارس بپردازد (عالم نیا ۱۳۸۷، ۹۱).

پیاده روی اربعین یک فرصت را برای تشیع بوجود آورده تا با مدیریت آگاهانه و هوشیارانه، بتوان امکان نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام و تقویت دیپلماسی فرهنگی را فراهم آورد. برخی از دست‌آوردهای این حرکت عبارتند از:

- ۱- تفکیک مذهب تشیع از وهابیت خشن در اذهان عمومی مردم جهان
- ۲- توسعه فرهنگ اسلام ناب محمدی در جهان
- ۳- معطوف کردن توجه جهانی به تفکرات شیعی و اسلام اصیل
- ۴- ایجاد بستر مناسب برای وحدت و یکپارچگی فزون‌تر جهان تشیع در موضع‌گیری‌های جهانی و تأثیرگذاری بر آنها

### پیاده روی اربعین و نقش هویت‌سازی

مفهوم غیریت در بحث هویت ملی شرایطی را فراهم می‌سازد تا افراد، با تأکید بر مشترکات و ملاک‌های پیوند دهنده، پیرامون محوری واحد، همبسته، متحد و متعهد گردند. حرکت پیاده روی اربعین در هویت‌سازی شیعیان نقش موثری دارد و موجب گردیده تا شیعیان در فضای شور حسینی با کنار زدن وجوه افتراق نژادی، قومی و زبانی حول محور مفهومی مقدس به نام امام حسین (علیه السلام) و مغناطیس قوی عشق او گرد هم آیند و هویت واقعی خویش را باز شناسند. هویتی که می‌تواند از طریق همکاری، تعامل، اعتماد سازی، مشارکت و چند جانبه‌گرایی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی تأثیر گذار باشد در بعد منطقه‌ای و جهانی نیز این هویت‌آفرینی سبب شده است تا نام امام حسین (علیه السلام) و حدیث کربلای او شعار اتحاد و همبستگی و سرود همگرایی و نقطه عطفی برای وحدت و همبستگی شیعیان و مظلومان بی‌پناه و مستضعفان جهان شود و کینه مقدس مبارزه با ظلم و انتقاد از ظالم را در دل ستمدیدگان، ریشه دارتر کرده و عواطف بشری را در تقویت مبانی اعتقادی و عقلانی به هم پیوند زند. (<http://basirat.ir>).

### مقابله با تروریسم تکفیری از نوعی دیگر

تروریسم تکفیری گونه‌ای از افراط‌گرایی مذهبی است که در قالب آن یک گروه مذهبی (فرقه وهابیت) به وسیله اصل تکفیر و برداشتهای خاص خود، سایر گروه‌ها را در قلمرو ایدئولوژیک خود ندانسته و حکم به قتل آنها می‌دهد. خشونت‌های گروه‌های



تکفیری نظیر داعش که اعضای آنها اتباع بیش از ۶۰ کشور دنیا را تشکیل می‌دهند و اشکال دیگر افراط‌گرایی در قالب حدود ۱۷۰ هزار جان‌باخته در عراق طی ۲۰۱۵-۲۰۰۳ کاملاً مشخص است (www.iraqbodycount.org). به دلیل حملات ابتدای سال ۲۰۱۴ تکفیری‌ها به عراق و تصرف حدود ۴۰٪ خاک این کشور و پیش‌روی آنها تا نزدیکی‌های مرز ایران در سعیدیه و جلولاء در یک مقطع، مداخله مستقیم و حضور فعال نظامی ایران در عراق به عنوان حلقه امنیتی فوری اولویت داشت. اما نباید فراموش کرد که پاسخ نظامی راه‌حل کوتاه‌مدت است و اولویت درازمدت ایران باید مقابله با «فکر» تکفیر باشد. پوشش رسانه‌ای پیاده‌روی اربعین به دلیل حضور بزرگترین اجتماع جهان علاوه بر کاهش شیعه‌هراسی و اثبات حقانیت شیعیان، می‌تواند وحدت، گستردگی و تنوع نژادی و قومی در مقابل جریان تکفیر به رخ بکشد.

### گذار از امنیت سخت به مردمی کردن امنیت

شاید مهم‌ترین نکته پیرامون پیاده‌روی اربعین در سال‌های اخیر، امنیت فوق‌العاده این مراسم باشد. در حالی که پارادایم‌های مختلف امنیت ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر واقع‌گرایی و لیبرالیسم بر بعد نظامی، پوزیتیویستی و سخت امنیت تاکید دارند، در اینجا وجوه امنیت نرم بیش از امنیت سخت است. کشورهای منطقه سالانه میلیاردها دلار صرف هزینه‌های دفاعی-امنیتی می‌کنند. عربستان در سال ۲۰۱۴، بیش از ۲۵ درصد بودجه خود معادل ۸۰ میلیارد دلار را صرف خرید سلاح کرد و در بهار ۲۰۱۵ با خرید ۹/۸ میلیارد دلار، بزرگترین واردکننده سلاح جهان با رشدی معادل ۴۲٪ نسبت به ۲۰۱۴ بود. در چنین شرایطی حضور جمعیتی چندده‌میلیونی بدون وقوع حادثه مهم امنیتی در کشوری با حجم عظیم شکاف‌های قومی-مذهبی، می‌تواند با بکارگیری یک دیپلماسی هوشمندانه به عنوان نوعی از الگوی امنیتی مدنظر قرار گیرد. نکته مهم در امنیت این مراسم، مردمی بودن آن، واگذاری اکثر امور به مردم و نهادهای مردمی و در نتیجه افزایش مشروعیت و مقبولیت آن است. این مسئله همچنین ارتباط وثیقی با هدف اصلی این مراسم که نشان‌دادن همبستگی و اتحاد جهان تشیع با سایر مسلمین است، دارد. خود این هدف، از وجوه سخت امنیت کاسته و بر وجوه نرم آن می‌افزاید. سپردن کار به نهادهای مردمی علاوه بر افزایش اطاعت‌پذیری، رضایت مردم و نتیجتاً تبدیل قدرت برهنه به نوعی اقتدار را به همراه دارد. در این راستا، با وجود لزوم بکارگیری برخی ابزارهای سخت امنیت جهت کنترل امور، امنیت جنبه‌ای ایجابی، ذهنی و ادراکی می‌یابد.

### تقویت محور مقاومت و پیوند ملت‌ها

در سال‌های اخیر، یک ظرفیت عمده سیاست خارجی ایران، بهره‌گیری از ارتقاء وزن شیعیان در سطح منطقه و افزایش حوزه نفوذ است. این مسئله که ریشه در ام‌القربون ایران برای شیعیان با جمعیت شیعی بیش از ۹۰ درصدی دارد. در واقع به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف با هارتلندی ایران است (پورحسن، ۱۳۹۳). چیزی که به اشتباه و عمدتاً توسط دشمنان ایران به هلال شیعی تعبیر می‌شود. غرب آسیا در شرایط کنونی عرصه اتحادها و ائتلاف‌های درون منطقه‌ای است که برخی کشورها خواستار بازگشت شرایط به قبل از تحولات ۲۰۱۰ هستند و برخی دیگر چون ایران، اتخاذ سیاست‌های مستقل از غرب را می‌طلبند. عراق کانون اصلی سیاست خارجی ژئوپلیتیک محور ایران و از عناصر اصلی محور مقاومت است. پیاده‌روی اربعین بر مبنای پیوستگی‌های تاریخی، هویتی و دینی دو ملت ایران و عراق، به واقع تجلی وحدت دو ملت در برابر دشمنان مشترکی چون تکفیری‌ها، عربستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی است که همواره در تلاش بوده‌اند تا ایرانیت را در مقابل عربیت قرار دهند. تحت این شرایط یک ویژگی مهم دیپلماسی عمومی یعنی همکاری ملت‌ها در کنار همکاری و تعامل دولت‌ها تحقق خواهد یافت.

### اهل سنت و شمولیت حمایت‌های ایران

بر خلاف آنچه که دشمنان ایران می‌پندارند و مرکزیت غیرقابل‌انکار ایران در غرب آسیا را ناشی از علقه‌های شیعی و ژئوپلیتیک نادر آن می‌دانند، اما باید گفت که نفوذ ایران نفوذی گفتمانی و متفاوت با سلطه‌طلبی غربی است که از سه خواستگاه و وجه مکمل اساسی برخوردار است: ۱. فرهنگ ایرانی که با تاکید بر وحدت شیعه-سنی و پرهیز از طایفه‌گری، میان ایران و مردم منطقه نوعی همبستگی را به وجود می‌آورد. ۲. فرهنگ سیاسی و الگوی مردم‌سالاری دینی ایران که به عنوان الگویی بومی، تلفیق دین و دموکراسی در مقابل

لیبرال-دموکراسی غرب مطرح است. ۳. گفتمان استکبارستیز و نافی رژیم صهیونیستی که بیشترین طرفدار را بین توده‌های محروم غرب آسیا دارد. نمونه بارز این مسئله حمایت بیش از سی ساله ایران از مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی و نوار غزه است. در حالی که موضوع فلسطین برای اعرابی چون مصر و عربستان تنها یک موضوع سیاست خارجی محسوب می‌شود، ایران تنها کشوری است که این حمایت را در دل قانون اساسی (اصل ۱۵۴) خود جای داده است. در این راستا دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی سنتی که بیشتر کشورها را به سوی واگرایی سوق می‌دهد بر وجوه مشترک کشورها تأکید دارد. وجه مشترک کشورهای غرب آسیا، اسلام فارغ از جنبه‌های خاص و عام آن است. مسئله‌ای که به خوبی در پدیده روی عظیم اربعین در قالب هم‌گرایی گروه‌های مختلف اهل سنت و شیعیان مشخص است.

### اقلیت‌های دینی و پیاده روی اربعین

جلوه دیگر پیاده روی اربعین، حضور اقلیت‌های دینی در این مراسم است. چه اینکه وجه بارز این روزهای جامعه عراق، کاهش بی‌سابقه این اقلیت‌ها به دلیل گسترش دامنه خشونت تکفیری‌ها است و جمعیت ارامنه و آشوریان از بیش از یک میلیون در ۲۰۰۳، به کمتر از پانصد هزار نفر، شبکه‌ها به یک‌دوم، صابئین به یک‌هفتم، کاهش یافته، اما شاهد گسترش حضور این اقلیت‌ها از کشورهای دیگر هستیم. در اینجا نیز دیپلماسی عمومی کارگشاست و می‌توان با تأکید بر اصول مشترک به جای ابعاد واگرایی، بر افزایش نقش ایران و کاهش شیعه‌هراسی برای این اقلیت‌ها کمک شایانی نمود. این مساله حاصل نمی‌شود، به جز با کناره‌نهادن برخی طائفه‌گری‌ها که متأسفانه برخی مواقع دیده می‌شود؛ سابقه شیعیان و برخی از مسیحیان همچون نارضایتی و اعتراض در زمان گذشته، حقیقت به صلیب کشیدن حضرت مسیح در کنار مصائب امام حسین (علیه السلام)، واقعیت تاریخی مشارکت این گروه‌ها در عزای امام حسین از سال ۶۸۰ میلادی و هم‌زیستی بیش از هزارساله این گروه‌ها با شیعیان در کنار یکدیگر موید همین نکته است. همین مساله در وجود برخی گرایش‌ها در ایزدی‌ها، شبکه‌ها و روماها به چشم می‌خورد.

### پیاده روی اربعین و نقش الگوسازی

در خصوص نقش پیاده روی اربعین در الگو سازی و الهام بخشی و تأثیر آن بر امنیت ملی باید اشاره کرد که هم اکنون نظام‌های سلطه‌گر با توجه به شرایط روز، نفوذ فرهنگی را جانشین لشکرکشی نظامی کرده‌اند و در این زمینه خبرگزاری‌ها، مطبوعات، رادیو، تلویزیون، تئاتر، سینما و... استفاده می‌شود تا با حذف الگوی مقاومت بدترین الگوهای ضد اسلامی را به جامعه معرفی و تحمیل نمایند و همین موضوع ضرورت الگو سازی را نشان می‌دهد. پیاده روی اربعین در صدد نمونه دهی و الگوسازی و بازسازی ایمانی و فرهنگی از طریق معرفی یکی از اسوه‌های کامل و الگوهای همه جانبه است که نه تنها الگوی حماسه و جهاد و ظلم ستیزی، بلکه الگوی عبودیت و سخاوت و جوانمردی و ارزش گرایی و آزادگی انسان است.

### پیاده روی اربعین و مقابله با تحریف و انگاره سازی

استکبار جهانی به منظور بستر سازی برای تحقق انگاره سازی تهاجمی علیه انقلاب اسلامی در راستای کاهش حس اعتماد مردم به نظام و اعتماد جامعه بین الملل به ایران اقدام به اسلام هراسی و تحریف چهره سیاسی ایران و پیوند دادن بنیادگرایی اسلام با تروریسم، نشان دادن چهره‌های خشن و غیر عقلانی از شیعیان و معرفی اسلام به عنوان انگاره خشونت مبادرت ورزیده است. بنابراین حرکت پیاده روی اربعین می‌تواند در سطح محلی و ملی جلوه ای از همکاری، برادری، وحدت، اعتماد و همدلی و هم زبانی را از طریق پیوند میان اقوام مختلف ایرانی از یک سو و تعامل سازنده میان دولت و ملت را از سوی دیگر نشان دهد. در سطح منطقه‌ای این توانایی دو چندان می‌شود پیاده روی اربعین انگاره دروغین اختلاف بین عرب و عجم، کرد و فارس، شیعه و سنی را به چالش می‌کشد و با خنثی سازی جنگ روانی دشمنان در منطقه تصویری از بیداری ملت‌های منطقه و توجه به ارزش‌های مشترک اخلاقی و دینی را به نمایش بگذارد جذابیت پیام اربعین می‌تواند موج جدیدی از آگاهی و بیداری را در ملت‌های منطقه ایجاد نماید که نتیجه آن تحقق ثبات منطقه‌ای خواهد بود در سطح جهانی پیاده روی اربعین می‌تواند از طریق نشان دادن واقعیت تفکر شیعی و نشان دادن چهره

واقعی مسلمانان عمق صلح دوستی مکتب تشیع و اسلام ناب را به جهانیان معرفی نماید و حقیقت ناب اسلام را جایگزین انگاره‌های غیر واقعی و مذموم در هم آمیختگی اسلام با خشونت و جنگ گردد. (<http://basirat.ir>).

## پایه روی اربعین و عزت یابی در سطوح مختلف

### ۱) سطح ملی

از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پرچمدار راستین اسلام ناب محمدی و با سیاست خارجی نشئت‌گرفته از انقلاب اسلامی خود، نقش مرکزی در زمینه‌سازی این اجتماع عظیم دارد، لذا در این قسمت منظور از سطح ملی، دستاوردها و تأثیراتی است که برگزاری پیاده‌روی اربعین بر نقش و کارکرد جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزهایش به‌دنبال خواهد داشت. اولین تأثیر، زمانی مشاهده می‌شود که با قرار گرفتن ایران در شرایط وحدت اجتماعی با شیعیان عراق و سایر ملل منطقه، اعتمادبه‌نفس آن ملل افزایش پیدا می‌کند و تهران عملاً قادر خواهد بود متحدان منطقه‌ای خود را در خاک خودشان حمایت کند و آزادی عمل و اعتمادبه‌نفس آن‌ها را به‌شکل بی‌سابقه‌ای افزایش دهد؛ موضوعی که به‌شدت آمریکا را نگران می‌کند و با منافع آن کشور در منطقه، همخوانی ندارد.

پیاده‌روی اربعین به فهم سیاست جمهوری اسلامی ایران در منطقه نیز کمک می‌کند. این پدیده یکی از نشانه‌های قدرت روزافزون جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک مرکز هماهنگ‌کننده‌ی جهان تشیع است. راهپیمایی اربعین گویای اقتدار ملی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است؛ چراکه به غرب و متحدان منطقه‌ای آن نشان می‌دهد ایران در کمال امنیت، در عتبات که قلب تپنده‌ی جهان اسلام است، راهپیمایی میلیونی برگزار می‌کند و نمادهای انقلابی خود را صادر می‌کند. همچنین این پیام را به آنان منتقل می‌سازد که ایران برای ایجاد وحدت راهبردی با شیعیان منطقه، از روش‌های نرم و توانمندی در تأثیرگذاری فرهنگی بر ملل و کشورهای منطقه بهره می‌گیرد و با گسترش قدرت نرم انقلاب اسلامی، فرصتی برای افزایش عمق و نفوذ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه و در میان شیعیان کشورهای حاضر در این مراسم فراهم شده است.

به‌علاوه این راهپیمایی، قدرت منطقه‌ای ایران و مدل مقابله با تهدیدات طراحی‌شده توسط اتاق‌های فکر غربی برای منطقه را به نمایش می‌گذارد و به قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای یادآور می‌شود که ایران همواره باید بخشی از راه‌حل مسائل منطقه باشد و آنان اگر قصد مبارزه‌ی واقعی با تروریسم برآمده از سیاست‌های غلط خود در منطقه را دارند، بدون ایران هرگز موفقیت‌چندانی در حل معضل تروریسم در منطقه به‌دست نخواهند آورد.

### ۲) سطح منطقه‌ای

هرچند اربعین مشخصاً یک مراسم شیعی است، اما سنی‌ها و حتی مسیحیان، ایزدی‌ها و... نیز به‌عنوان زائر و خادم زائران در این مراسم شرکت می‌کنند. اگر به ماهیت انحصاری آیین‌های دینی توجه کنیم، خواهیم دید که این اتفاق در ایجاد پیوندهای ثبات‌بخش بین ملل منطقه، فوق‌العاده اهمیت دارد و مردم فارغ از دین، رنگ و نژاد، حسین (ع) را به‌عنوان نماد فراگیر، بی‌حدومرز آزادی، ایثار و ظلم‌ستیزی می‌شناسند.

نظم مردمی و خودجوش حماسه‌ی میلیونی پیاده‌روی اربعین در مسیرهای منتهی به کربلا نیز حکایت از یک ظرفیت عظیم مدیریت منطقه‌ای دارد. همبستگی در برابر تکفیری‌ها، از دیگر تأثیرات منطقه‌ای پیاده‌روی اربعین است. در علوم سیاسی گفته می‌شود که خطر هجوم خارجی، همبستگی داخلی به وجود می‌آورد و این راهپیمایی در موقعیتی برگزار می‌شود که منطقه‌ی غرب آسیا، وضعیت متشنج و بی‌ثباتی را تجربه می‌کند. داعش شیعه را دشمن خونی خود می‌پندارد و با اهل تسنن که مخالفان زیادخواهی‌ها و رفتارهای غیرانسانی این گروه هستند نیز به‌طور وحشیانه‌ای برخورد می‌کند. از این رو، هیچ‌چیز بیشتر از این، گروه‌های ترور را به خشم نمی‌آورد که ببینند خیل عظیم زائران شیعه به‌همراه دیگر گروه‌های قومی و مذهبی از کشورهای مختلف گرد هم می‌آیند و مولود رژیم صهیونیستی و غرب در بین افکار عمومی منطقه و بالاخص مردم عراق، نه‌تنها محبوبیتی نداشته است، بلکه مورد تنفر آنان نیز هست. در نگاهی دیگر، این اجتماع عظیم پیام‌آور امنیت و صلح و ثبات در عراق و کشورهای مسلمان منطقه است و از طرفی هم ناکارآمدی امنیت وابسته به غرب را نمایان می‌کند و همه‌ی اذهان را متوجه امنیت بومی و منطقه‌ای توسط خود ملت‌ها و دولت‌های منطقه می‌سازد.

### ۳) سطح بین‌المللی

با توجه به اینکه دوره حاضر عصر سوم از تجدد و به نوعی دوره پسامدرن نامیده شده است و به نوعی همراه با زیر سوال رفتن برخی انگاره‌های تجدد بوده، اما در عمل برخلاف تصویری که در صدد جهانی شدن معنویت گریزی و دوری از ماوراء الطبیعه و دین هستند؛ خیزش‌هایی جهانی مانند اربعین، زنده بودن معنویت و دین را در ابعاد بزرگ منطقه‌ای و حتی جهانی نشان می‌دهد. شکست داعش در جذب بخشی از مردم غرب با ارائه تصویری دروغین از اسلام، عطش دانستن از اسلام حسینی و رحمانی را که در عین مبارزه با ظلم و ستم و مقابله با جهل و تعصب جاهلی، در صدد نجات و رهایی انسان‌ها از طاغوت است؛ حاکی از واقعی بودن امید به احیای معنویت در بشر عصر حاضر است که تجلی آن در آیین‌هایی چون اربعین آشکار است.

پیاده روی اربعین نشانه‌ی شکل‌گیری تمدن و اقتدار جهانی نوینی بر اساس کنش عقلانی معطوف به ارزش است. اقتداری که آغازگاه آن، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و امتداد آن در اربعین حسینی قابل مشاهده است. اربعین حسینی تبلور یک همزیستی زیبا از نژادها و زبان‌ها و قومیت‌ها در یک سرزمین است که لازمه پدید آمدن یک تمدن جهانی است. ارزش‌های زیبایی که در تابلوی روز عاشورا ترسیم شد و زینب سلام . . . علیها به تماشای آن نشست، این بار در همایش جهانی پیاده روی اربعین بازتولید می‌شود تا این بار، غرب تشنه‌ی معنویت به نظاره‌ی آن بنشیند.

برای دستاوردهای پیاده‌روی عظیم اربعین، بحث پیدایش یک پرستیژ جدید در روابط بین‌الملل هم مطرح می‌شود. متفکرین رئالیست و نئورئالیست روابط بین‌الملل، پرستیژ را نشان دادن قدرت واحدها، مردم و کشورها به قدرت مقابل برای ایجاد بازدارندگی می‌دانند. از این رو پیاده‌روی اربعین، پرستیژ جدیدی در عرصه‌ی بین‌الملل برای ایرانیان و مناطق شیعه‌نشین دیگر به وجود آورده است.

پیاده‌روی صلح‌آمیز و میلیونی اربعین با دفع خشونت از چهره‌ی اسلام و شیعیان، به صورت عینی به مقابله با پروژه‌های شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی می‌رود که سعی دارند از اسلام چهره‌ای خشن و جنگ‌طلب در دنیا ترویج کنند. در واقع جهانیان با دیدن این رویداد عظیم و جلوه‌های زیبای معنوی و ابعاد انسانی آن، مشتاق آشنا شدن با حقیقت قیام کربلا می‌شوند و این موضوع زمینه‌ی گسترش حقیقت اسلام ناب را در سراسر جهان فراهم خواهد کرد و نسخه‌های اسلام آمریکایی همچون جریان‌های تکفیری را به محاق خواهد برد.

از بُعد جغرافیایی و قومیتی هم خلق‌کنندگان این رویداد عظیم، از کشورها و اقوام مختلف از گوشه‌وکنار جهان و منطقه هستند. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که واقعه‌ی عاشورا، مرزهای اعتقادی و جغرافیایی را درنور دیده و مردم مختلف دنیا را به خود جذب کرده است. پیاده‌روی اربعین نه یک حرکت صرفاً شیعی، بلکه یک خیزش عظیم انسانی است.

از دیگر تأثیرات این راهپیمایی می‌توان به بالا بردن سطح توانایی‌های امت اسلامی در معادلات جهانی اشاره نمود. توجه به مسائل جهانی، در فرهنگ و جهان‌بینی تشیع، حکایت از اینترناسیونالیسم شیعه دارد. پیاده‌روی اربعین بروز و ظهور یک اینترناسیونالیسم شیعی را نوید می‌دهد. ریشه‌ی مذهبی این مسئله هم به این نکته برمی‌گردد که در تفکر شیعی، چیزی به اسم مرز نداریم. همه‌ی زمین قلمرو امام است و امام بر کل کائنات، تسلط و تصرف دارد.

### پیاده روی اربعین و تقویت توریسم مذهبی

دین و مذهب از گذشته تاکنون همواره آمیخته و همسو و هماهنگ با تمدن و فرهنگ و توسعه جوامع از سویی و در ارتباط با مقوله گردشگری از سویی دیگر بوده است. منابع و مستندات موجود، قدیمی‌ترین سفرها را گردشگری دینی نامیده‌اند که در راستای اعتقادات جاری ادوار مختلف تاریخی و تمسک به یک دین و مذهب شکل گرفته است. در زمان‌های قدیم و در شرایطی که بشر از سیستم حمل‌ونقل پیشرفته برخوردار نبوده و به راحتی نمی‌توانسته از نقطه‌ای به نقطه دیگر جهان سفر کند، سفرهای دینی در میان مردم رواج داشته و ایمان دینی و جستجوی معنا نقطه آغاز پیمودن سفرهای دشوار و سخت در آن دوران محسوب می‌شود. در دین مبین و نورانی اسلام نیز همچون دیگر ادیان، سفرهای مذهبی و زیارت امامان معصومین علیهم‌السلام رواج داشته و مسلمانان در مناسبت‌های گوناگون به اماکن مقدسه سفر می‌کنند. اربعین «که مصادف است با چهلمین روز شهادت امام حسین (ع) و شهدای مظلوم کربلا از جمله رویدادهای مذهبی ویژه در دین اسلام و به‌ویژه شیعه است که نه تنها به عنوان تنها مراسم چهلم امام معصوم و حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام برگزار می‌شود، بلکه به عنوان نشان و نماد ایمان و باور دینی در دین اسلام از قول امام معصوم

علیه السلام بیان گردیده است. در این راه‌پیمایی زائران حسینی مسیر نجف به کربلا به طول ۸۰ کیلومتر را پیاده، در مدت سه روز در یک راه‌پیمایی آمیخته با به‌جا آوردن سنت دینی، تعمیق روحیه همکاری و همیاری، توسعه روابط دینی و انسانی طی می‌کنند و آثارها حکایت از این دارند که در سال‌های اخیر و با فراهم شدن شرایط نزدیک به ۲۰ میلیون نفر در این ابرویداد مذهبی و گردشگری شرکت می‌کنند که همین موضوع می‌تواند موضوع پژوهش و رساله‌های دانشجویی در حوزه‌های مختلف علوم انسانی و به‌ویژه رشته‌های گردشگری باشد. (<http://www.asiran.com>).

یکی از مهم‌ترین دلایل توجه به ایجاد چهره مثبت از یک کشور را می‌توان تمایل کشورها برای به دست آوردن موقعیت‌های بهتر اقتصادی دانست. کسانی که تمایل به سرمایه‌گذاری خارجی در کشوری دارند، در ابتدا به فضای فرهنگی و میزان دوستی یا خصومت جامعه با مخاطبان خارجی کشور مورد نظر و امنیت حاکم بر آن جامعه توجه می‌کنند. در این رابطه باید به مساله جذب توریست توجه کرد. امروزه یکی از مهم‌ترین منابع درآمد کشورها صنعت توریسم است که نیاز به معرفی مناسب به جهان دارد. در صورتی که کشوری بتواند وجهه‌ای مناسب به لحاظ جذابیت‌های توریستی و امنیت قابل قبول ارائه دهد، در این زمینه موفق خواهد بود. بایستی به پیاده‌روی اربعین به عنوان میراثی سنتی میان شیعیان توجه شود تا علاوه بر نشان‌دادن بنیان‌های مردمی این مذهب، در حدودی البته کمتر از مراسم‌های دیگر چون حج به‌توان از ظرفیت‌های اقتصادی آن نیز بهره جست. در این راستا وجود مولفه امنیت در این مراسم و کمک‌های ایران برای تامین این امنیت، به نوعی سبب ارتقاء وجهه ایران خواهد شد.

همان‌گونه که بیان شد گردشگری دینی از جمله مهم‌ترین گونه‌های گردشگری در جهان است که انگیزه اصلی آن به جهت باورها و اعتقادات دینی همواره توسعه‌دهنده گردشگر در جهان بوده و سبک و سیاق آن با سایر گونه‌های گردشگری متفاوت است. به طوری که در سال‌های اخیر افراد با گرایش‌های مختلف نیز به این گونه گردشگری علاقه‌مند شده‌اند.

با توجه به طیف انگیزه‌های گوناگونی که در سفر به اماکن مقدس وجود دارد، پیاده‌روی اربعین به عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای گردشگری دینی در سال‌های اخیر توانسته است در توسعه گردشگری کشور عراق سهم به‌سزایی ایفا نماید. چه بسا حضور میلیون‌ها نفر در سرزمین عراق که به عنوان یکی از مناطق ناامن خاورمیانه در جهان مطرح است، خود عنصری است که خواهد توانست ذهنیت‌های منفی به وجود آمده را که خود عامل مهمی در مرادوات سیاسی و منطقه‌ای به شمار می‌رود، تقلیل دهد. باورها و اعتقادات دینی همواره سرچشمه ایجاد فرهنگ‌های گوناگون در جهان بوده و حتی در دوران کنونی نیز که برخی از آن به دوره رشد مادی‌گرایی تعبیر می‌کنند، صنعت گسترده و پیچیده گردشگری در جهان را تحت‌تأثیر خود قرار داده است.

رویداد پیاده‌روی اربعین از جمله رویدادهای مهم گردشگری و به مثابه یکی از بزرگترین گردهمایی مسالمت‌آمیز، هدفمند و معناجویانه جهان است که در راستای باورها و اعتقادات دینی صورت می‌گیرد و هر ساله با حضور میلیون‌ها نفر از تمام نقاط جهان در عراق به وقوع می‌پیوندد، به طوری که میلیون‌ها نفر در چنین رویدادی در مسیرهای منتهی به مضجع شریف و نورانی و ملجأ و مأوای میلیون‌ها عاشق، دلداره سید الشهداء، سرزمینی که عظیمترین حماسه الهی رخ داده و نیز در شهر نجف اشرف و در جوار بارگاه منور امام علی (ع) گرد هم می‌آیند که در نوع خود کم نظیر و بی سابقه تلقی شده است.

معیارهای بسیاری در جهت توسعه گردشگری بیان می‌شوند، از جمله می‌توان به برگزاری رویداد خاص در صنعت گردشگری اشاره کرد، به طوری که امروزه کشورها در جهان از ایجاد رویدادهای مختلف و برگزاری فستیوال‌ها برای جذب گردشگر بهره می‌گیرند. رویدادها در سال‌های اخیر به عنوان یکی از پردرآمدترین و سودآورترین گونه‌های گردشگری به شمار می‌رود. در این زمینه پیاده‌روی اربعین به عنوان یک رویداد مهم دینی به عنوان یک جریان مردم‌محور و برآمده از ایمان و اعتقادات دینی آحاد جامعه در حال انجام است و شیعیان منطقه نقش مهمی در برگزاری این رویداد دارند.

از سوی دیگر اعتقاد و باور دینی مردم عراق در نقاط مختلف این کشور در راستای مهمان‌نوازی و استقبال از زائران اربعین حضرت سید الشهداء علیه السلام، خود به یکی از ارکان اصلی توسعه گردشگری دینی کشور عراق در رویداد اربعین تبدیل شده است و این موضوع پذیرش و مشارکت جامعه میزبان از گردشگر است که به عنوان یکی از مباحث کلیدی در توسعه گردشگری به شمار می‌رود. پیاده‌روی اربعین و حضور با شکوه جمع کثیری از مسلمانان از سراسر جهان توانسته است مسیر جدیدی را در توسعه گردشگری دینی به عنوان یک برند گردشگری دینی برای کشور عراق به همراه داشته باشد. به ویژه به دلیل گسترش و رواج حجم کثیری از اطلاعات در انواع رسانه‌ها، در سال‌های اخیر افراد غیرمسلمان هم برای حضور در این رویداد دینی حضور پیدا کرده‌اند.

شواهد حاکی از این مطلب است که گردشگری دینی به دلیل وجود انگیزه‌های دینی و اعتقادی رواج و گستره بیشتری در مقایسه با سایر گردشگری در جهان دارد. لذا اقدامات و برنامه‌ریزی‌هایی که در جهت توسعه گردشگری گرفته می‌شود در بازه بلندمدت بسیار نتیجه‌بخش خواهند بود.

از این رو می‌توان ایجاد تصویر ذهنی از حضور میلیون‌ها نفر در مسیر پیاده‌روی اربعین و نیز حضور در بارگاه مطهر حضرت ابا عبدالله حسین علیه‌السلام را به عنوان کلید موفقیت و دروازه ورود به سایر اقدامات توسعه گردشگری در راستای بهره‌مندی معنوی و سیردرافاق و انفس برای رسیدن به سعادت و کمال و تعالی انسانی دانست.

### پیاده روی اربعین و مقابله با اسلام آمریکایی

انقلاب اسلامی فراتر از آن که یک انقلاب اسلامی با وجه شیعی صرف باشد یک انقلاب دینی با پیامی جهانی است که مخاطبان آن همه مستضعفین عالم هستند که تحت سلطه و ستم مستکبرین جهان قرار دارند. به بیان دیگر انقلاب اسلامی واجد آرمانی جهانی است، که مخاطب آن فطرت همه انسان‌هایی است که به نوعی تحت انقیاد امپراطوری جهانی ثروت، قدرت و لذت قرار گرفته و دچار سطحی از خودبیگانگی و ازخدا بیگانگی گشته‌اند. نگاه جهان شمول و عام انقلاب اسلامی برگرفته از نگاه جهانی اسلام ناب است که به دور از خط کشی‌های کاذب مختلف همچون قومیت، ملیت، نژاد و... انسان‌ها را اعضای یک پیکره واحد می‌داند که اگر در دین یکسان نباشند در خلقت با یکدیگر برادر هستند. از این رو مسئولیت حمایت از همه مستضعفین عالم و رساندن پیام رهایی بخش اسلام به آنان از مهمترین کارویژه‌های انقلاب اسلامی بوده و هست. حرکت‌ها و اقدامات گروه‌های مختلف در جهان در سطح جنبشی و ملی در همسویی، همدلی و همنوایی با انقلاب اسلامی و حمایت‌های علنی مادی و معنوی انقلاب اسلامی از آنان در همین چارچوب قابل تحلیل است. یکی از محورهای اصلی فعالیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی شبکه بین‌المللی نظام سلطه، تلاش برای شیعی جلوه دادن انقلاب اسلامی و محدود کردن مبارزات و مجاهدت‌های جنبش‌های مقاومت متأثر از آن در آرمان یک جمعیت مذهبی محدود بوده است. تلاش برای مخدوش کردن و از مشروعیت انداختن نسخه مبارزاتی جهادی انقلاب اسلامی با به صحنه آوردن بدیلی مضحک، کاریکاتوری و متوحش همچون جریان تکفیری نشان از طراحی و اجرای پروژه‌ای عظیم و پیچیده برای به محاق بردن و منزوی کردن وجه رهایی بخشی جهانی انقلاب اسلامی و محدود کردن آن به جمعیت شیعیان جهان دارد. (امیری ۱۳۹۴، ۱۳۴).

تلاش‌های پیدا و پنهان نظام سلطه برای شکل دادن به گروه‌های متعدد تروریستی در منطقه و به خصوص در عراق و سوریه و کمک‌های گسترده رسانه‌های دیداری، نوشتاری و سایبری غرب برای انتشار جنایات فجیع و مسمم‌کننده گروه‌های تروریستی رنگارنگ همچون داعش و جبهه النصره، نشان دهنده انگیزه‌های شکل‌گیری این گروه‌ها است که یکی از مهمترین آنها مخدوش کردن چهره نورانی اسلام ناب به عنوان آخرین و مستحکم‌ترین دین الهی و سنگر مقاومت در برابر اندیشه الحادی و فرهنگ مادی غرب است. بزرگترین اجتماع بشری با ویژگی‌هایی استثنایی، باطل السحر این افسون شیطانی است که با همت مردان و زنان عاشق و تحمل سختی و دشواری فراوان، چهره‌ای روشن از اسلام ناب به جهانیان نشان می‌دهد و جهان را در برابر تابلویی زیبا از حقیقت اسلام و پیروان واقعی آن قرار می‌دهد. در واقع جهانیان با دیدن این رویداد عظیم و جلوه‌های زیبای معنوی و ابعاد انسانی آن، مشتاق آشنا شدن با حقیقت قیام کربلا می‌شوند و این موضوع زمینه‌سازی درخشش پر فروغ تر حقیقت اسلام ناب را در سراسر جهان فراهم خواهد نمود و نسخه‌های اسلام آمریکایی همچون جریان تکفیری را به محاق خواهد برد.

### شکل‌گیری امت جهانی مستضعفین

مردم عراق خصوصاً روستاییان کم بضاعت عراقی که اندوخته هرچند اندک خود را که نتیجه زحمات طاقت فرسای یک سالشان است برای آسایش زائران در طبق اخلاص گذاشته و در این همایش هزینه می‌کنند. این واقعیتی است که شرکت‌کنندگان در این پدیده در سرتاسر این مسیر آن را به وضوح می‌بینند. راهپیمایی‌کنندگان ایرانی هم عمدتاً از اقشار غیر مرفه جامعه هستند که با شرایط ایجاد شده برای این سفر با هزینه‌ای اندک به آن می‌پیوندند. در واقع از بعد اقتصادی، عمده شرکت‌کنندگان و فعالان این همایش

عظیم الهی، از اقشار مستضعف هستند. چه عراقی‌هایی که پس از دهه‌ها جنگ و آشوب میراث دار محرومیتی توان فرسا هستند و چه ایرانیانی که بیشتر از اقشار مستضعف جامعه و با هزینه‌های کم موفق به شرکت در آن شده‌اند. از بعد اعتقادی هم هرچند عمده شرکت کنندگان در این مراسم از مسلمانان شیعه هستند ولی از مذاهب گوناگون سنی، مسیحی، ایزدی، صائبی و... در این همایش عظیم مشارکت می‌کنند. از بعد جغرافیایی و قومیتی هم خلق کنندگان این رویداد عظیم از کشورها و اقوام مختلف از گوشه و کنار جهان و منطقه هستند. این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که واقعه عاشورا مرزهای اعتقادی و جغرافیایی را درنوردیده و مردم مختلف دنیا را به خود جذب کرده است و پیاده روی اربعین نه یک حرکت صرفاً شیعی بلکه یک خیزش عظیم انسانی است که بخشی از مستضعفین عالم را حول احیاء ارزش‌های الهی به دور هم جمع نموده و به صورت یک جامعه یگانه و یکپارچه متبلور نموده است. راهپیمایان اربعین، کنشگرانی هستند که در وادی عرفان واقعی به سیر و سلوک مشغولند و در حقیقت امر با طی طریق عشق، به کعبه عاشقان و شاهدان وجه الهی قدم می‌گذارند. در این سیر، هر فرد در عین سلوک فردی و مواجهه شخصی خود با حقیقت کربلا و ارتباط قلبی با امام حسین(ع)، در وجه جمعی به عنوان عضوی از یک جامعه مؤمن در تلاش و تکاپو در مسیر کمال و سعادت و در دعوت به فطرت الهی قدم می‌گذارد و تلاش می‌کند تا به دیگران در رسیدن به مقصد کمک نماید. آنچه در این حقیقت شگرف خود را نمایان می‌کند، تمرین و ممارستی است که اعضای این جامعه برای شکل‌گیری امت مؤمن انجام داده و به اجمال، مدل جامعه جهانی موعود را شکل می‌دهند. (کاوش ۱۳۹۳، ۷).

### گسترش قدرت نرم انقلاب اسلامی

استفاده گسترده راهپیمایان ایرانی و غیر ایرانی از تصاویر مقام معظم رهبری(مدظله العالی) نشان از تعمیق انقلاب اسلامی و تسری گفتمان امام- امت است که اساس شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تداومش بر آن مبتنا دارد. در مورد زائران ایرانی، نقل قول‌های غیر رسمی مبنی بر توصیه مقام معظم رهبری(مدظله العالی) برای شرکت در این مراسم، عامل شرکت گسترده و حضور پرتعداد و شگفت آور در آن بود که علی‌رغم تمهیدات ناکافی ارگان‌های مسئول برای خدمات رسانی و تسهیل امکانات سفر، نسبت به سال‌های قبل چندین برابر برآورد شده است. گستردگی استفاده از تصاویر امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله العالی) در راهپیمایی امسال نشان از نفوذ روزافزون انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن در میان مردم منطقه و جهان است که علی‌رغم تبلیغات گسترده برای کاهش نفوذ و قدرت نرم آن، به ملجاء و پناهگاه مردم مستضعف جهان تبدیل شده است. حمایت انقلاب اسلامی از مردم جهان و منطقه فارغ از نژاد، ملیت و مذهب آنان در برابر ظالمان و سلطه‌گران عالم و عوامل آنان، به تدریج حقایق آن را بر جهانیان آشکار می‌نماید. حمایت انقلاب اسلامی از دولت‌های مظلوم و مورد ستم در سطح منطقه و جهان، حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش همچون گروه‌های مقاومت فلسطینی و حزب الله و حمایت از قومیت‌ها و مذاهب گوناگون منطقه در برابر تهاجم جریان‌های وحشی تکفیری، به تدریج سبب آشکار شدن هرچه بیشتر حقیقت انقلاب اسلامی بر جهانیان شده است. برای نمونه می‌توان به ذهنیت نامناسب بخشی از جامعه عراق - همچون بخشی از شیعیان - نسبت به انقلاب اسلامی اشاره نمود که به سبب تأثیرپذیری از تبلیغات حکومت بعثی صدام و پس از آن تبلیغات منفی گسترده رسانه‌های غربی و عربی ایجاد شده بود که راهپیمایی عظیم اربعین نشان دهنده تغییر فضا و عمیق‌تر شدن انقلاب اسلامی در ذهن و روح مردم عراق است.

### پیاده روی اربعین و بازیابی هویت دینی در دیپلماسی فرهنگی

هویت از یک سو بر همسانی و تشابه و از سوی دیگر بر تفاوت و تمایز دلالت می‌کند؛ بدین معنی که اعضای یک گروه درون مرز مشخص و بر اساس "شاخصه‌های هویتی" به نوعی با هم شباهت دارند. از سوی دیگر افراد در خارج از این محدوده و در فراسوی مرزهای نمادین از دیگر گروه‌ها متمایز و بر اساس ویژگی‌های اختصاصی و تفاوت با دیگران مشخص می‌شوند؛ به بیان دیگر در خارج از مرزها گروه به جای هویت با مفهوم هویت‌ها روبرو هستیم که ناشی از تفاوت و گاهی تقابل هویت‌ها است. برخی از کارشناسان اجتماعی هویت را از دیدگاه فردی و روان‌شناختی تحلیل کرده و برخی دیگر از بررسی هویت در قالب اجتماع دفاع می‌کنند و اصطلاح "هویت اجتماعی" را برای بیان ارتباط فرد و جامعه به کار می‌بندند. بنابراین تعریف از هویت خویش یک اصل بسیار مهم برای هر فردی است. از نقطه نظر روانشناسی جستجوی یک احساس واحد و یکپارچه از خود، آرمان‌ها و اهداف را روشن

و رسیدن به آن را ممکن می‌نماید. خود هویتی فرد به میزان زیاد بر رفتار افراد تأثیرگذار بوده است. در راهپیمایی بزرگ اربعین همسانی‌ها و اشتراک افراد حاضر از مناطق مختلف جهان یک احساس و هویت مشترکی را میان حاضران پررنگ می‌کند که ای بسا افراد در موطن خود کمتر با این حجم و تعداد از افراد دارای اندیشه و احساس و باور مشترک روبرو بوده‌اند. احساس لذت "ما" بودن و کثرت و پرشماری میان افراد متعلق به یک هویت در نهادینگی و تثبیت آن هویت کمک شایانی می‌کند. در اربعین توجه به مسیر و مقصد احساس تعهد و باور نسبت به قیام سالار شهیدان زنده نگه داشتن یاد امام حسین (ع) به منزله احیاگر دین اسلام به تقویت هویت دینی و فرهنگ حسینی و حماسی کمک شایانی می‌کند.

راهپیمایی عظیم اربعین در فضای کنونی که عراق هدف اقدامات تروریستی و مانور جریان تکفیری داعش بود امکان و زمین‌های را فراهم آورده است تا غیریت‌سازی نسبت به این جریان تروریستی برای تثبیت هویت خود بیشتر فراهم شود. برگزاری همایش بزرگ اربعین در چنین فضا و مکان و زمانی که تا چندی پیش هدف تهدید جدی تروریست‌های داعش بود احساس بزرگی و عظمت ما در قبال دیگران (گفتمان تکفیری) را به وضوح نشان می‌دهد.

ایجاد اعتماد و همبستگی متقابل که میان شیعیان در این راهپیمایی به ظهور می‌رسد، به دلیل پیوند تاریخی و نیز گفتمانی میان شیعیان ایران و عراق سرمایه اجتماعی دو کشور محسوب می‌شود. در واقع شکل‌گیری پیوندهای میان جوانان، دانشگاهیان، نیروهای امنیتی و انتظامی، نهادها و دستگاه‌های خدمت‌رسان در دو کشور برای ایجاد رضایت و خدمت‌رسانی حداکثری به زائران، ابعاد مهمی از کارآمدی در برقراری نظم و امنیت را به نمایش می‌گذارد که به نوبه خود عامل مهمی در تقویت سرمایه اجتماعی شیعی است.

### راهپیمایی اربعین به مثابه مناسک سیاسی

از نگاه امیل دورکیم جامعه‌شناس برجسته‌ی فرانسوی، آنچه جامعه را سر پا نگه می‌دارد، احساس «همبستگی» میان اعضای آن است. او برای بازشناسی جامعه‌ی مدرن از جامعه‌ی سنتی نیز از همین مفهوم استفاده کرده و بر اساس میزان و نوع همبستگی میان اعضای آن، جامعه‌ی سنتی را جامعه‌ای ساده و دارای همبستگی مکانیکی و جامعه‌ی مدرن را پیچیده و با همبستگی ارگانیک می‌داند. البته برای درک ماهیت همبستگی اجتماعی، در جامعه‌شناسی دورکیم به میزان و نوع «تقسیم کار» ارجاع داده می‌شود. او بر این باور بود که در شرایط تقسیم کار کم و ساده که همبستگی مکانیکی را پدید می‌آورد، مردم کارهای همانندی انجام می‌دهند و از این رو تمایل دارند که مانند هم بی‌اندیشند و هنجار حاکم بر چنین جامعه‌ای نیز هم‌رنگی با جماعت است. با این حال به نظر می‌رسد در مطالعات جامعه‌شناسی دین دورکیم، می‌توان به درک بهتری از ریشه‌های همبستگی اجتماعی دست یافت. دورکیم بر این باور است که در جامعه‌ی سنتی، دین نقش پررنگی در ایجاد و تداوم همبستگی اجتماعی بازی می‌کند. او اثرگذاری و تعیین‌کنندگی دین در چنین جامعه‌ای را با تکیه بر اعمال ملموس عبادی و آداب نمادین دینی توضیح می‌دهد. گردهم‌آیی مردم برای انجام مناسک عبادی مشترک و نمادین در چنین جامعه‌ای، حس نیرومند تعلق گروهی را میان آنها ایجاد و تثبیت می‌کند. به باور دورکیم «هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که لازم نداند در فواصل منظم زمانی، احساسات و آرمان‌های جمعی را به علامت حفظ آنها و تصدیق دوباره آنها به نمایش بگذارد؛ زیرا این‌ها هستند که عناصر سازنده وحدت و شخصیت یک جامعه را تشکیل می‌دهند. جامعه ضمناً می‌داند که این بازسازی معنوی و اخلاقی امکان ندارد، جز به وسیله گردهم‌آیی‌های مکرر و بر پا کردن تجمعات و جلساتی که در آنها افراد به اتفاق به تأکید مجدد بر احساسات جمعی خویش بپردازند (postchinews.ir).

در راهپیمایی بزرگ اربعین احساس همبستگی میان حاضران در قوام و تثبیت همبستگی دینداران، تأثیر به‌سزایی دارد. تبدیل اربعین به مناسک جهانی با فراگیر شدن این رویداد به کشورهای منطقه و نیز حضور غیرمسلمانان در این همایش عظیم، ابعاد تازه‌ای به این مناسک می‌بخشد؛ چنین آیینی زمان و مکان و فضا را درهم پیوند می‌زند و رفتار جمعی با تقسیم کار میان میهمانان و میزبانان و نیز احساس مشترک و عینیت آن برای انجام مناسک عبادی مشترک و نمادین، حس نیرومند تعلق گروهی را میان آنها ایجاد و تثبیت می‌کند. اگر چه اغلب حاضران را باورمندان به مکتب شیعی و وفاداران به اسلام انقلابی تشکیل می‌دهند اما اکنون دایره چنین همایشی به اهل سنت و حتی غیرمسلمانان نیز ارتقا یافته است و نوعی همبستگی بزرگ معنویت‌خواهان و آزادی‌طلبان را رقم زده است. چنین همایشی که ابعاد سیاسی غیر قابل انکاری دارد بر بستر مناسک دینی بزرگداشت قیام سالار شهیدان صورت می‌گیرد و به نوعی جهانی شدن پیام انقلاب اسلامی که آن نیز بر پایه مناسک دینی عاشورا رقم می‌خورد به ثبوت می‌رساند. در مناسک عاشورایی زمان و مکان و افراد به نمادهای خاص و با اشعار و سروده‌ها و نیز حضور در حسینیه‌ها و مساجد، یاد قیام سالار



شهیدان (ع) را گرامی داشتند. مروری بر تحولات انقلاب اسلامی از قیام ۱۵ خرداد گرفته تا راهپیمایی عظیم عاشورای سال ۵۷ اهمیت استقرار انقلاب اسلامی بر پایه مناسک عاشورایی را نشان می‌دهد از این جهت گفتمان اسلام انقلابی شیعی محور در همایش بزرگ اربعین سرچشمه جریان‌ها و خیزش‌هایی است که در موفقیت محور مقاومت بر جریان معارض با فرهنگ عاشورا یعنی جریان سلفی تروریستی تاثیر و کارایی خود را نشان داده است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به این که این پروژه در حفاصل مرزهای ایران تا قلب عراق انجام می‌شود طبعاً بیشترین آثار را در کشور به جای می‌گذارد ضمن این که در میان زائرین افراد زیادی از سایر کشورها و مذاهب حضور دارند که جمهوری اسلامی می‌تواند از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی خود در راستای جذب آنان به فرهنگ تشیع استفاده کند. از آن جایی که دیپلماسی فرهنگی فرایند موثری است که در آن فرهنگ یک ملت به جهان بیرون عرضه می‌شود و خصوصیات منحصر به فرد فرهنگی ملتها در سطوح دو جانبه و چند جانبه ترویج می‌یابد لذا پیاده روی اربعین می‌تواند به عنوان یک جریان فرهنگی در سایه تبلیغات رسانه‌ای نقش مهمی در نزدیکی دو ملت ایران و عراق ایفا نماید و هر دو کشور را کمک کند تا به عنوان دروازه مدیترانه نقش مهمی در ترویج فرهنگ تشیع ایفا نمایند در این میان جمهوری اسلامی با توجه به ثبات سیاسی و قدرت و پیشینه فرهنگی و توان عظیم رسانه‌ای می‌تواند بهره‌های بیشتری از بزرگ‌ترین پروژه سیاسی-زیارتی دنیا ببرد.

از آن جایی که جمهوری اسلامی از یک طرف به عنوان مرکز ثقل تشیع در جهان مطرح است و از طرف دیگر القای جهان اسلام نیز می‌باشد لذا می‌تواند در سایه پروژه عظیم اربعین نقش مهمی در ترمیم چهره اسلام در جهان بازی کند چون پروژه ایران هراسی و اسلام هراسی به عنوان دو مفهوم هم مصداق توسط اسرائیل و غرب دنبال می‌شود و پیاده روی اربعین به عنوان یک حرکت مقتدرانه و در عین حال مسالمت آمیز می‌تواند پروژه‌های دشمن را با چالش‌های اساسی مواجه سازد. علاوه بر این پیاده روی اربعین به عنوان یک حرکت فرهنگی-سیاسی می‌تواند ضمن پررنگ نمودن هویت دینی و شیعی؛ تقویت ابعاد سازنده و معنوی در شرکت کنندگان در این راهپیمایی و تأثیر آن در خودسازی، منجر به همدلی و همبستگی میلیون‌ها شیعه در مناسکی سیاسی و مذهبی که تحکیم کننده هویت آنان در تندبادهای معنویت‌گریز و به دور از هویت انقلابی است شود. جمهوری اسلامی می‌تواند در سایه پیاده روی اربعین به عنوان بزرگ‌ترین ابزار دیپلماسی فرهنگی در راستای تقویت گفتمان امت اسلامی انقلابی در برابر اسلام امریکایی و سازش‌کار، پیوند و همبستگی تشیع ایرانی و عراقی و نیز حماسه قدرت و نمایشی از ظهور جغرافیای انسانی شیعه بخشی و امیدورای به تحقق تمدن نوین اسلامی با الهام از فرهنگ عاشورایی، استفاده نماید.

با توجه به این که دیپلماسی فرهنگی به عنوان رکن چهارم دیپلماسی، فرایندی مردم‌محور است و حتی اگر دولت‌ها در مدیریت آن نقش داشته باشند، باز نقش‌آفرینان اصلی آن، مردم کشورها می‌باشند. به همین دلیل راهپیمایی اربعین حسینی (ع) را باید علاوه بر جلوه‌های مذهبی آن، یک اقدام دیپلماتیک فرهنگی دانست. جمهوری اسلامی ایران، به عنوان اصلی‌ترین حامی تشیع در جهان اسلام، مهم‌ترین دولت مسئول در فرایند راهپیمایی اربعین است و به تعبیری کشور مبدأ در این اقدام دیپلماتیک است و نقش‌آفرینان اصلی، مردمی هستند که از کشورهای مختلف در این حرکت بی‌نظیر شرکت می‌کنند. یاری‌رسانی به دولت عراق در تمام صحنه‌ها، به‌ویژه در مواجهه با داعش و کنترل و مدیریت راهپیمایی اربعین، تداعی‌کننده نقش کلیدی و رهبری ایران در جهان اسلام و مسائل شیعیان جهان است و آنان، جمهوری اسلامی را اصلی‌ترین حامی خود و مذهب خویش می‌دانند. در یک جمع بندی کلی می‌توان گفت برگزاری شکوهمند راهپیمایی اربعین و حمایت ایران از آن، حاوی پیام‌های مهمی در صحنه جهانی است که برخی از آنها عبارتند از:

- ۱- قرائت شیعه از اسلام، قرائتی انسانی، محبت‌آمیز و مصلحانه است و خشونت کور و تصلب در آن جایگاهی ندارد.

۲- راهپیمایی اربعین، راهپیمایی مسالمت‌آمیز، صلح‌طلبانه در مقابل سلفی‌گری، خشونت‌طلبی و نژادگرایی عربی است.

۳- مردم و دولت ایران در این راهپیمایی، به حمایت مردمی می‌روند که سه دهه پیش با آن جنگیده‌اند و هیچ کینه‌ای از مردم عراق در دل ندارند. آنان با سیاست‌های غلط و تجاوزکارانه حاکم بر عراق جنگیدند. لذا ایران‌هراسی، ثمره فکر مریض دولت‌های غربی است.

۴- اسلام در کنار ظرفیت‌های جهادی و دفاعی حامل بزرگ‌ترین ظرفیت برای صلح و امنیت جهانی است.

## منابع

- [۱] ابراهیمی، جهانبخش. (۱۳۸۹). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران. تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
- [۲] احمدی، سید عباس و الهام سادات موسوی (۱۳۸۹)، «جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی جهان اسلام»، در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- [۳] احمدی، عباس (۱۳۹۰)، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه، تهران، اندیشه سازان نور.
- [۴] باقری، سیامک (۱۳۸۷)، بسیج و مدیریت قدرت نرم: رویکردی سیستمیک، در قدرت نرم، جلد ۳، تهران: پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- [۵] برنا بلداجی، سیروس (۱۳۹۱)، عراق نوین و بایسته‌های استراتژیک ایران، تهران: کانون پژوهش‌های خلیج فارس.
- [۶] برزگر، کیهان. ۱۳۸۵. سیاست خارجی ایران در عراق جدید. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- [۷] پارساپور، روزبه (۱۳۸۸)، بغدادنامه (بررسی ریشه‌های ایرانی کشور عراق، بر پایه مستندات تاریخی)، تهران: مرکز مطالعات خلیج فارس
- [۸] دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۴). دیپلماسی عمومی نوین: کارکرد قدرت نرم در روابط بین‌الملل. تهران: نشر ابرار معاصر تهران.
- [۹] کمالیان (۱۳۸۷)، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و نقش زبان فارسی (گزارش پژوهشی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- [۱۰] مار، فب (۱۳۸۰)، تاریخ نوین عراق، ترجمه محمد عباس پور، مشهد: بنیان پژوهش‌های اسلامی.
- [۱۱] مرادی، حجت اله (۱۳۸۹)، «بررسی راهبرد تهدید سخت و نرم آمریکا در محیط نوین بین‌المللی»، در قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: نشر ساقی.
- [۱۲] ملکی، محمد رضا و انسبه رازقندی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و دولت احمدی نژاد: بازی در سطح خرد در خاورمیانه»، فصلنامه علوم سیاسی، پاییز، شماره ۱۶.
- [۱۳] آقایی، عبدالرضا (۱۳۸۸)، «دوران تبعید امام خمینی (ره) در عراق»، ماهنامه رشد، دوره یازدهم، زمستان، شماره ۲.
- [۱۴] امام شوشتری، سید محمد علی (۱۳۷۴)، «کشور عراق از دیدگاه فرهنگ و تمدن رنگ ایرانی دارد نه غربی»، نشریه بررسی‌های تاریخی، سال سوم، شماره ۱۵ و ۱۶.
- [۱۵] پارساپور، روزبه (۱۳۸۹)، «نقش ایران و عراق در تأمین امنیت خلیج فارس»، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، سال دهم، شماره ۱۰۴، فروردین.
- [۱۶] پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، زمستان، شماره ۶۱.
- [۱۷] -خسروی، محمد علی و عباسعلی جباری ثانی (۱۳۹۰)، «ظرفیت‌های فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی عمومی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، بهار، شماره ۱۱.
- [۱۸] داداندیش، پروین و افسانه احدی (۱۳۹۰)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، بهار، شماره اول.
- [۱۹] درخشه، جلال و مصطفی غفاری (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها»، مطالعات فرهنگ-ارتباطات، سال دوازدهم، زمستان، شماره شانزدهم.
- [۲۰] دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. ۱۳۷۸. دیپلماسی عمومی فرهنگی جمهوری اسلامی در منطقه خلیج فارس. فصلنامه سیاست. دوره ۴۰، شماره ۴.
- [۲۱] رسولی ثانی آبادی، الهام. ۱۳۹۱. مفاهیم جدید در دیپلماسی عمومی فرهنگی. ماهنامه راهبرد. شماره ۸.
- [۲۲] سجادیپور، محمد کاظم (۱۳۸۳)، «ایران و بحران بین‌المللی عراق: چالش‌ها و واکنش‌ها»، فصلنامه سیاست خارجی، سال هیجدهم، زمستان، شماره ۴.
- [۲۳] سنائی، اردشیر و محمد رضا عبدالله پور (۱۳۸۸)، «رویارویی ایران و آمریکا: رقابت در عرصه قدرت نرم و سخت»، فصلنامه دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی، سال دوم، پاییز، شمارگان هشتم و نهم.
- [۲۴] رمضان زاده، علی. ۱۳۸۹. مبانی نظری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه ندای ایران، شماره ۲۹.
- [۲۵] فراهانی، نازنین (۱۳۸۵)، «آئین نوروز در کشورهای همجوار»، نجوای فرهنگ، شماره ۲.
- [۲۶] قدوسی زاده، سیدمسعود. ۱۳۹۱. ایدئولوژی و کاربرد آن در منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، شماره ۳.
- [۲۷] کمالی سرپلی، عبدالقادر (۱۳۸۸)، «سیرتاریخی پیدایش حوزه‌های علمیه»، سخن تاریخ، شماره ۷.

---

[۲۸] مشایخی، حمید رضا و اصغر خوشه چرخ (۱۳۹۱)، «نگاه نوستالژیک خاقانی و بختری به ایوان مداین»، ماهنامه ادب عربی، سال ۴، بهار، شماره ۱.